

عصیان سالارالدوله در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱ از نگاه اسناد

زهره کریمان

نهضت مشروطیت نقطه عطفی بود در تاریخ معاصر ایران، تحولی که می‌توانست در صورت به ثمر نشستن، کشور ما را با تکیه بر مردمسالاری دینی به پیشرفتی شگرف در بازسازی فرهنگی و سیاسی اجتماعی خود رهنمون گردد. رخداد مشروطه در ایران از ابتدا با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. با خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت در بسیاری از نقاط مملکت شورشها و سرکشیها روی داد که از جمله آنها شورش شاهزاده‌ها، حاکمان و خانهای ولایات بود.

یکی از این شاهزادگان که سر به شورش برداشت ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین‌شاه بود. او دستگاهی مانند دربار برای خود درست کرده بود و شبها در مجالسی که خود برپا می‌کرد تاج شاهی بر سر می‌گذاشت و خود را شاه می‌خواند. چون مردی خودسر و جاه‌طلب بود به فکر گرفتن زمام امور مملکت بود. بعد از به وقوع پیوستن نهضت مشروطه تصمیم گرفت با مشروطه‌خواهان همکاری کند. چون گمان می‌برد حال که وضع مملکت نابسامان است و مشروطه‌خواهان نیز خواهان سلب قدرت از شاه و تفویض آن به مجلس هستند او می‌تواند از این فرصت استفاده کند و به پادشاهی ایران برسد. از سوی دیگر «مشروطه‌خواهان و آزادی‌طلبان که اعتمادی به محمدعلیشاه نداشتند برای تقویت خود و ضعیف ساختن دستگاه استبدادی به فکر افتادند از وجود سالارالدوله در برابر محمدعلیشاه استفاده کنند»^۱ اما، سالارالدوله، با برآورده نشدن خواسته‌هایش به یکی از دشمنان سرسخت مشروطه‌خواهان تبدیل شد. او سالهای آخر عمر خود را در آوارگی سپری کرد و در غربت جان سپرد. سالارالدوله چندین بار برای به دست آوردن سلطنت قیام می‌کند ولی هر بار شکست

۱. امیرمسعود معتمدی، بررسیهای تاریخی، سال سوم، ش ۳، ص ۲۰۱.

می خورد. اسناد این شماره از فصلنامه تاریخ معاصر ایران اختصاص به موضوع شورش سالارالدوله در عصر مشروطه دارد که پس از مقدمه‌ای در شرح حال سالارالدوله به نظر خوانندگان محترم می‌رسد.

مهدی بامداد در خصوص سالارالدوله می‌نویسد: «ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین‌شاه در سال ۱۲۹۸ قمری در تبریز متولد شد.»^۲ در همان جا به تحصیل پرداخت. مدت هفت سال با رتبه سپه‌داری در سلک سربازان و افراد لشکری همه روزه در میدان مشق حضور می‌یافت و به تمرین نظامی می‌پرداخت. ناصرالدین‌شاه در سال ۱۳۰۶ق، هنگام عزیمت به فرنگ در سفر سوم در موقع عبور از آذربایجان به او لقب سالارالدوله داد.^۳ در سال ۱۳۱۵ق به وزارت و پیشکاری حسام‌الملک حاکم کرمانشاه منصوب شد. پس از ورود به محل مأموریت، خواست دست‌اندازی به املاک مردم نماید داد و فریاد مردم بلند شد و شاه او را عزل نمود.^۴

«سالارالدوله در مدت کوتاه حکومت خویش در کرمانشاهان از تعدی به اهالی کوتاهی نکرد. او با بلندپایگان محلی نیز سر ستیز داشت به طوری که عبدالله‌خان بیگلربیگی، که یکی از سران دیوانی و معتبرین کرمانشاهان بود از رفتار ناصوابش مستأصل شد و به مقابله با او پرداخت.»^۵ تعدیات سالارالدوله باعث شد مردم دست به شورش بزنند و این خبرها به دربار شاه رسید و شاه در نامه‌ای خطاب به ولیعهد در تبریز اشاره‌ای هم به سالارالدوله می‌کند و می‌گوید:

نصور مکن که من پسر شاه هستم؛ سالارالدوله را ملاحظه کردی که در کرمانشاهان خواست حرکت خلافی بکند، قدری دست‌اندازی به املاک مردم کرد فوری او را عزل کردم.^۶

حکومت سالارالدوله در این منطقه بیش از شش ماه دوام نداشت و برکنار گردید.^۷ درباره خصوصیات اخلاقی سالارالدوله سر جورج بارکلی می‌گوید: «سالارالدوله شخص غیرعادی متلون‌المزاجی است و به عقیده بسیاری نمی‌توان او را چندان مسئول اعمالش شناخت.»^۸

۲. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۴۷، ص ۴۸.

۳. غلامحسین افضل‌الملک، افضل‌التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ ایران، ص ۹۰.

۴. مهدی بامداد، همان، ج ۱، ص ۴۸.

۵. رضا آذری، در نکابوی تاج و تخت، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸، ص ۴.

۶. مهدی بامداد، همان، ص ۴۸.

۷. رضا آذری، همان، ص ۴ و ۵.

۸. حسن معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۲۸، ج ۲، ص ۱۰۰۷.



ابوالفتح میرزا سالارالدوله با عده‌ای از مستخدمین و اطرافیان | ۱۳۶۳-۱۳۶۴

پس از آنکه از حکومت کرمانشاه معزول شد، در سال ۱۳۱۶ به پیشکاری میرزا محمودخان مدیرالدوله، حاکم زنجان، منصوب شد و در سال ۱۳۱۸ق ابتدا به پیشکاری میرزا شفیع خان مستشارالملک گرگانی و بعد در سال ۱۳۲۱ق به وزارت و پیشکاری (معاونت و ریاست دارایی) حاج ابوالقاسم خان نصیرالملک شیرازی به جای عین‌الدوله به حکومت خوزستان، لرستان، بروجرد و بختیاری منصوب شد.

شیخ محمد مردوخ در کتاب تاریخ مردوخ می‌گوید:

پس از عزل ناصرالملک، روز جمعه ۲۵ محرم (۱۳۲۳) شاهزاده ابوالفتح میرزای سالارالدوله پسر مظفرالدین‌شاه حاکم کردستان شده روز دوشنبه غره ربیع‌الثانی وارد کردستان گردید. اعیان تا صلوة‌آباد و کسبه و تجار تا دامنه پیرمحمد به استقبال او رفته، هنگام رسیدن به میان کسبه از توی کالسکه خودش امر می‌داد و با دست هم اشاره می‌کرد که: به خاک بیفتید، به خاک بیفتید! مردم بیچاره هم عموماً به خاک افتاده زمین اطاعت را بوسیدند. خود شاهزاده از خاک افتادن مردم می‌خندید.^۹

سفارت انگلستان در تهران طی گزارشی درباره سالارالدوله می‌نویسد:

او را به عنوان حاکم لرستان و بروجرد تعیین کردند، ولی اهالی بروجرد به تلگرافخانه رفته و عدم رضایت خود را از این انتصاب به شاه رساندند و برای اینکه از شر سالارالدوله راحت شوند به شاه پیشنهاد نمودند سالی سه هزار تومان تقدیم می‌کنیم ولی او را به عنوان حاکم نفرستید. ظاهراً این استدعای اهالی بروجرد مورد قبول واقع نشد (شاید به علت کم بودن مبلغ تقدیمی) و بالاخره حضرت والا به قصد خدمت به مردم! عازم محل حکومت جدید خود شد.^{۱۰}

در موقعی که سالارالدوله نامزد ایالت غرب شد چون جوان بود و طبعی تند داشت مظفرالدین شاه نصیرالملک شیرازی را که از رجال مهم فارس بود و زمانی هم تولیت آستانه قدس رضوی را عهده‌دار بود، به سمت وزارت پیشکاری سالارالدوله معین کرده بود.^{۱۱}

بعد از امضای فرمان مشروطیت، طولی نکشید که مظفرالدین شاه فوت کرد (ذیقعه ۱۳۲۴ق) و محمدعلی میرزا به جای او به سلطنت رسید (ذیحجه ۱۳۲۴ق). سالارالدوله به تصور اینکه در حال حاضر اوضاع مملکت نابسامان است طی یک اقدام سبکسرانه و

۹. شیخ محمد مردوخ کردستانی، تاریخ مردوخ، چاپخانه ارتش، ج ۲، ص ۲۳۲.

۱۰. حسن معاصر، همان، ج ۲، ص ۸.

۱۱. مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی، ج ۲، ص ۲۵۸.



ابوالفتح میرزا سالارالدوله پسر سوم مظفرالدین شاه | ۲۰۴-۱۱

با عجله با قشون خود آماده حمله شد و قصد داشت با یک حمله تهران را فتح کند و زمام امور را به دست بگیرد که منجر به جنگ با نیروهای دولتی و شکست او شد و او را دستگیر و در عشرت‌آباد محبوس کردند.

اقدامات سالارالدوله محمدعلی‌شاه را خیلی پریشان‌خاطر کرد. از سویی تحریکات و بدگوییهای درباریان از مجلس باعث شد محمدعلیشاه در صدد مقابله با مشروطه‌خواهان برآید و نتیجه این مقابله تعطیلی و به توپ بستن مجلس شد؛ و از سوی دیگر، سالارالدوله در تب و تاب سلطنت بود و به هر کاری حاضر بود دست بزند تا پیروز شود. کسروی در تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد:

ولی سالارالدوله همچنان در آرزوی پادشاهی می‌بود؛ و چون کشاکشهای توده را با محمدعلی میرزا می‌دید آتش امید و آرزو در دل او فروزان‌تر می‌گردید. این بود که کم‌کم پرده از روی کار برداشته نافرمانی آشکار ساخت، و با دسته‌هایی که از کردان و لران تاراجگر گرد آورده بود به بروجرد و آن پیرامونها تاخته به تاراج و آزار پرداخت. جوان سبکسر به جای دلجویی از مردم همه را از خود بیزار می‌گردانید.^{۱۲}

سالارالدوله برای رسیدن به هدفش از هر وسیله‌ای استفاده کرد. در دوران وقوع انقلاب، بر ضد محمدعلی‌شاه، از طریق ملک‌المتکلمین، به مشروطه‌خواهان کمک مالی می‌کند تا زمینه به قدرت رسیدن خود را فراهم کند.

«بعد از خلع محمدعلیشاه در جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق. سالارالدوله چون خود را از آسیب‌دیدگان مشروطیت می‌دانست، انتظار داشت که زحمات و خسارات او از طرف اولیای دولت مشروطه مورد تقدیر و حق‌شناسی قرار گیرد و او را به ایران احضار و کاری [که] مناسب با وضع و مقامش بود [باشد] به او بدهند.»^{۱۳}

سالارالدوله همچنان در راه به دست آوردن سلطنت بود و در فکر چاره‌ای بود تا تاج و تخت از دست رفته را پس بگیرد. از سوی دیگر، «شعاع‌السلطنه محمدعلی‌شاه را متقاعد نمود که کلیه معاریف و به اصطلاح سرجنابانان ایران با برگشت او به ایران موافق‌اند و در راه هدفی که در پیش بود از بذل جان و مال مضایقه نخواهند کرد، حتی به محمدعلی‌شاه اطمینان داده بود که سپهدار رئیس‌الوزرای ایران در باطن با ما موافق و همدست است و مانعی جلو اعلیحضرت ایجاد نخواهد کرد.»^{۱۴}

و در نهایت، این سه برادر طی ملاقاتی که در وین با هم داشتند تصمیم گرفتند به

۱۲. احمد کسروی. تاریخ مشروطه ایران. تهران، امیرکبیر، ج ۳، ص ۳۶۷.

۱۳. مهدی ملکزاده. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران. انتشارات علمی، ج ۲، ص ۲۶۰.

۱۴. همان، ص ۸۰ و ۱۳۷۹.

ایران بیایند. در این بین قرار شد سالارالدوله به واسطه آشنایی با مناطق و رؤسای قبایل کشور از غرب وارد شود. رابطه سالارالدوله با رؤسای قبایل غرب باعث شده بود، غرب کشور به عنوان پایگاهی برای او بشود و قرار بود او کرمانشاه را تصرف کند و آنجا مقرر آنها بشود تا محمدعلی شاه به ایران بیاید و آنگاه به تهران حمله کنند. سالارالدوله از راه عثمانی به بغداد و از آنجا به ایران آمد و با سران ایلات ملاقات و بعد از آن به کرمانشاه حمله کرد و آنجا را متصرف شد و به طرف همدان که از نظر سوق الجیشی اهمیت خاصی داشت حرکت و در آنجا مستقر شد.

بعد از ورود محمدعلی شاه به ایران عده‌ای فرصت طلب شایعاتی حول و حوش قشون سالارالدوله و محمدعلی شاه کردند، که قشون عظیمی در راه است و آماده حمله به تهران می‌باشد؛ این نیروی عظیم اگر به تهران برسد احدی از انقلابیون و طرفداران آنها را زنده نخواهد گذاشت و وحشت زیادی در دل مردم و انقلابیون انداختند این شایعات باعث شد مجلس شورای ملی دو قانون برای ترساندن شاه و طرفدارانش وضع کند: یکی اعلام حکومت نظامی و دیگری تعیین جایزه برای دستگیری یا آوردن کشته محمدعلی شاه و شعاع السلطنه و سالارالدوله: «کسانی که محمدعلی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند یکصد هزار تومان به آنها داده می‌شود؛ کسانی که شعاع السلطنه را اعدام و یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان به آنها داده می‌شود؛ کسانی که سالارالدوله را اعدام و یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان به آنها داده می‌شود».^{۱۵}

«مردم از قشون سالارالدوله و خود سالارالدوله بیشتر واهمه دارند تا از محمدعلی شاه و حدس می‌زنند نزاع این دو بعد از فتح طهران یا قبل از آن در بگیرد. می‌گویند احتمال کلی می‌رود سالارالدوله به زودی طهران را بگیرد و خودش ادعای سلطنت کند و با محمدعلی میرزا جنگ کند».^{۱۶}

بعد از صدور این حکم سالارالدوله عصبانی شده تلگرافی به مجلس می‌فرستد: طهران - هیئت جامعه محترمه مجلس ملی را زحمت‌افزا می‌شوم. از کردستان تلگراف کردم جوابی ندادید. به جای اینکه ملتفت نکات آن تلگراف بوده و به حال مملکت با یک دوربین حقیقت‌بینی نگاه کنید چاره رفع امراضی که خود باعث شده‌اید بجویند. تدبیری که کرده‌اید رأی به کشتن من و دادن رشوه به کشته من دادید با اینکه من خود به پای خویش برای کشته شدن و فدا باین آب و خاک آمده‌ام. ولی این را ندانسته‌اید که ایرانیان حقیقی خدانشناس هرگز به نعمای صدوپنجاه ساله قاجاریه کفران نکرده، خصوصاً نسبت به اولاد مرحوم مغفور مظفرالدینشاه نورالله

۱۵. همان، ص ۱۳۹۱.

۱۶. ایرج افشار و مسعود سالور. روزنامه خاطرات عن السلطنه. تهران. اساطیر، ۱۳۷۷. ج ۵، ص ۳۵۱۲.

مضجععه، سوء قصدی نخواهند داشت؛ زیرا ایرانیان به منزله برادرهای ما و کلاً فرزند پادشاه که سایه و برگزیده خداست هستیم.^{۱۷}

سالارالدوله، بعد از گرفتن کرمانشاه، با سپاه به طرف همدان حرکت می‌کند. در آنجا با اردوی امیرمفخم می‌جنگد که منجر به شکست امیرمفخم می‌گردد. این شکست در تضعیف روحیه مشروطه‌خواهان خیلی مؤثر بود؛ مردم آن منطقه وقتی پیروزی سالارالدوله را دیدند از ترس از دست دادن اموالشان به قشون سالارالدوله پیوستند. سالارالدوله، بعد از این پیروزی، راه تهران را در پیش گرفت و در آخرین روز ماه رمضان به ساوه رسید و در محلی که از نظر سوق‌الجیشی مناسب بود مستقر شد. البته دهات اطراف ساوه از حمله قشون او در امان نماندند و اموال زیادی از مردم بیچاره توسط قشون سالارالدوله غارت شد.

«روز اول شوال ۱۳۲۹ اردوی تهران مرکب از دو هزار سوار بختیاری و مجاهد و ژاندارم، به ریاست یفرم و سردار محتشم، برای مقابله با سالارالدوله راه ساوه را پیش گرفته، سوم شعبان میان قشون سالارالدوله و اردوی سردار ظفر جنگ می‌گیرد. توپخانه اردوی دولتی به فرماندهی هاز آلمانی با بمباران دقیق بر روی قوای سالارالدوله باعث گسیختگی انتظام قوای سالارالدوله می‌شود. قوای سالارالدوله با به جا گذاشتن صدها کشته و مقدار زیادی تفنگ و مهمات و شش عراده توپ پا به فرار می‌گذارند.»^{۱۸} بعد از این شکست و تعقیب نشدن سالارالدوله، او مجدداً تشکیل اردو می‌دهد و در حوالی بروجرد با بختیارها درگیر می‌شود که این بار هم شکست خورده و به طرف خرم‌آباد می‌رود که با مخالفت مردم آنجا روبه‌رو می‌شود و از آنجا به کرمانشاه می‌رود. از سوی دیگر، اردوی محمدعلیشاه و شعاع‌السلطنه هم با شکست و کشته شدن فرماندهانشان (ارشادالدوله و رشیدالسلطان) به استرآباد فرار می‌کنند.

«در همان هنگام در تهران نایب‌السلطنه مجلس را منحل می‌کند، و از طرف دولت، عبدالحسین میرزا فرمانفرما، شوهر خواهر سالارالدوله، و یارمحمدخان سردار کل برای سرکوبی سالارالدوله به سوی کرمانشاه حرکت می‌کنند. سالارالدوله هم بعد از ورود به کرمانشاه مشغول جمع‌آوری استعداد می‌شود؛ به سوار روزی پنج هزار و به پیاده روزی سه هزار می‌دهد.»^{۱۹}

یارمحمدخان بعد از وارد شدن به کرمانشاه با سپاه سالارالدوله درگیر می‌شود و

۱۸. ملکزاده، همان، ص ۱۳۳۷.

۱۷. تاریخ مردوخ، ج ۲، ص ۲۸۹.

۱۹. آذری، همان، ص ۲۵ و ۲۶.

طرفداران او را می‌کشد و سالارالدوله با عده‌ای از نزدیکانش از کرمانشاه فرار می‌کند. محمدعلیشاه که در استرآباد بود از طریق دولت روس درصدد کسب امتیاز برای خود برمی‌آید و دولت ایران توسط دولت روس و انگلیس به محمدعلیشاه می‌گوید اگر شاه و برادرانش از کشور خارج شوند دولت ایران تقبل می‌کند که سالیانه حقوقی برای آنها در نظر گرفته شود و محمدعلیشاه وقتی دانست که مقاومت دیگر فایده‌ای ندارد با کشتی به روسیه رفت. دولت ایران درباره سالارالدوله نیز همین کار را کرد و برای او و خانواده‌اش حقوقی در نظر گرفت و همچنین قول داد املاک او را که ضبط کرده بود در صورت ترک ایران به او برگرداند اما سالارالدوله این پیشنهاد را نپذیرفت و دوباره با یک اردوی ده‌هزار نفری به کرمانشاه حمله می‌کند و بعد از پنج روز آنجا را تصرف می‌کند و در آنجا مستقر شده و در صدد جمع‌آوری نیروی بیشتر برمی‌آید تا به همدان حمله کند. سالارالدوله بعد از جمع‌آوری نیرو به طرف همدان حرکت می‌کند و در نزدیکی همدان با نیروهای دولتی جنگ سختی در می‌گیرد که منجر به شکست سالارالدوله می‌شود در این نبرد یفرم‌خان و دکتر سهراب‌خان کشته می‌شوند. اردوی دولتی به همراه یارمحمدخان به سمت همدان حرکت می‌کند و اردوی سالارالدوله را شکست می‌دهد و شکست‌خوردگان به سمت لرستان فرار می‌کنند و در آنجا با کمک نظرعلی‌خان دوباره به جمع‌آوری نیرو مشغول می‌شوند. از طرفی وضعیت قشون دولتی به دلیل عدم حمایت از تهران نابسامان شده افراد قشون فرمانفرما چون موجب دریافت نکرده بودند اردو را ترک کردند. سالارالدوله از این فرصت استفاده کرده و بنای هم‌پیمانی با یارمحمدخان را می‌گذارد و این دو با هم متحد شده بر علیه فرمانفرما وارد جنگ می‌شوند این بار مردم از کنسولگری روس و انگلیس می‌خواهند که جنگ خارج از شهر باشد درگیری بین نیروهای سالارالدوله و قشون دولتی منجر به مرگ یارمحمدخان و شکست دوباره سالارالدوله می‌شود و سالار دوباره فرار و این بار به صفحات شمال کشور می‌رود و در آنجا از سران آن نواحی می‌خواهد که با او همکاری کنند در این موقع قنسول روس میانجی دعوی سالارالدوله و حکومت می‌شود و قول مساعد به سالار می‌دهد که سالی ۱۲ هزار تومان مستمری را از دولت ایران می‌گیریم حکومت مرکزی نیز قول حکومت گیلان را به او پیشنهاد می‌کند ولی سالار نمی‌پذیرد و مشغول تهیه استعداد برای جنگ می‌شود.

در نواحی شمالی کسی با سالارالدوله هم‌پیمان نشد و سالار مجبور به پناهنده شدن به روس می‌شود و به خاک آن کشور می‌رود. در موقع جنگ جهانی اول سالارالدوله از فرصت استفاده کرده و با وزیرمختار کشور آلمان که از نیروهای متحدین بودند وارد مذاکره می‌شود و می‌گوید به دلیل نفوذی که در صفحات غرب ایران دارد می‌تواند

جنبشی بر علیه روسها برپا کند وزیرمختار آلمان با دولت عثمانی وارد مذاکره می‌شود و نتیجه چنین می‌شود که همکاری با سالارالدوله را قبول می‌کنند و این بار سالارالدوله در تحت حمایت دول متحد وارد ایران و عرصه جنگ می‌شود؛ ولی همدستان دول متحد در ایران، مانند احتشام‌السلطنه و مستوفی‌الممالک، بنای مخالفت را گذاشته به دولت آلمان می‌گویند که ملیون با سالارالدوله میانه خوبی ندارند. این اقدام منجر به اخراج مجدد سالارالدوله از ایران می‌شود. «سالارالدوله بعد از اخراج از ایران در سال ۱۳۳۳ قی. برابر ۱۹۱۵ وارد لژ فراماسونی فلسطین شده است. این لژ، [که] بین مسلمانان و یهودیان مشترک بود، سالارالدوله را تا مقام استادی ارتقاء داد. سالارالدوله به رانین می‌گوید چندین بار به وسیله دوستان انگلیسی‌اش در بغداد، اسلامبول و برن با لژ بیداری ایران و فراماسونهای ایرانی برای حفظ منافع و املاک خود در ایران و حتی مراجعت به تهران اقدام کرده؛ ولی فراماسونها از ترس افکار عمومی و مشروطه‌طلبان حقیقی نتوانستند با تقاضای او موافقت کنند.»^{۲۱}

در نزاع بین شیخ خزعل و رضاخان سردار سپه، سالارالدوله نامه‌ای به شیخ می‌نویسد و در آن از شیخ کمک می‌خواهد که زمینه مراجعت احمدشاه به ایران را فراهم کند. با شکست شیخ از رضاخان این بار نیز سالارالدوله به نتیجه نمی‌رسد و به خارج از کشور می‌رود.

«در اوایل حکومت رضاخان در سال ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ تیمورتاش به عنوان کارگردان اصلی نظام پهلوی برای تعدیل نفوذ بریتانیا، گرایشهایی در راستای اتحاد شوروی و آلمان در سیاست خارجی ایران اتخاذ می‌نماید.»^{۲۱} این در همان زمانی است که شورشی ضد حکومتی در شمال شرقی ایران روی می‌دهد. سالارالدوله از این فرصت استفاده کرده از مرزهای غربی (عراق) وارد ایران می‌شود. انگلیسیها که متوجه نیت دولت ایران می‌شوند ورود سالارالدوله به ایران را مخفی نگه می‌دارند و در واقع از او حمایت می‌کنند. سالارالدوله این بار می‌گوید که برای باز پس گرفتن تاج و تخت آبا و اجدادیش برگشته است. حکومت رضاخان نسبت به این اقدام سالارالدوله واکنش شدیدی نشان داده خیلی زود غائله را خاتمه می‌دهد انگلیسیها سالارالدوله را دستگیر می‌کنند ولی تحویل دولت ایران نمی‌دهند و حتی مستمری از دولت ایران برایش می‌گیرند. سرانجام، سالارالدوله برای همیشه ایران را ترک می‌کند و به مصر می‌رود «تا اینکه در سال ۱۳۳۸ خورشیدی در شهر اسکندریه در سن ۸۰ سالگی»^{۲۲} می‌میرد.

۲۱. آذری، همان، ص ۴۵.

۲۰. آذری، همان، ص ۴۳.

۲۲. مهدی بامداد، همان، ج ۱، ص ۵۰.

[۱]

نامه سالارالدوله به علیرضاخان عضدالملک در شکایت از ناملایمات و زندانی شدن خود

روی پاکت نقش مهر سالارالدوله

خدمت ذی شوکت حضرت مستطاب اجل امجد اسعد اکرم افخم اعظم، آقای عضدالملک
دامت شوکتہ العالی

در ابتدای این گرفتاری، مختصری از دچار یا این گرفتاری ناگهانی عرض کردم. وعده لطف فرموده‌اید؛ تا حال به امروز و فردا می‌گذرد. لازم گردید مختصری از شرح حال خود عرض کنم. هرگاه باز به این تفصیل، امر به سکوت بفرمایید باز در اطاعت آن حاضریم. اگر قدری طولانی باشد و موجب تصدیع گردد عفو فرمایید زیرا باید خاطر حضرت مستطاب عالی مستحضر باشد؛ ترحم بشود یا نشود منوط به همت عالی آن حضرت است. در لرستان که بعد از آن راپورتها و آن تفصیلات عاقبت مایوس شده به خاک پای مهر اعتلای اقدس اعلی ارواحنا فداء تلگراف عرض کردم که قاجاریه، هر چه باشند و هر جا باشند، جز آستان مقدس اعلی پناه و ملجئی ندارند. مقتضیات زمانه و پیشامد ایران نقشه‌ای ترتیب داده که باید به همان یک صد و بیست و نه سال قبل مراجعه کرد و آن تدابیر فلکی را اتخاذ نمود یعنی همان اصولت [اسلوب] و رویه [ای] که شاهنشاه شهید سعید آقا محمدشاه نورالله مرقده که چگونه این طایفه را متحد و تفرقه آنها را جمع و از جمعیت آنان مستفیض شد، ممالک وسیعه ایران محروس و محفوظ از شمشیرهای خادمانه قاجاریه شد و بود و هست. مسلم پریشانی و بی‌ترتیبی، فقر و مسکنت و ذلت این طایفه در این وقت به سر حد کمال بود.

چیزی که مایه نجات و موجب حیات و باعث ایجاد سلطنت در این طایفه شد فقط به دو چیز بود: اول سرپرستی و عزم و حزم شاهنشاه شهید یعنی بعد از چهارده سال دربه‌دوری و تحمل به مشقات و ناملایمات روزگار دانستند و به این نکته عالی یقین حاصل کردند تا اتفاق و اتحاد در خانواده نباشد و مایه امیدواری این خانواده حاصل نباشد تمام خیالات نقش بر آب است. ایل به این عظمت باید همه وقت قلابه اطاعت و عبودیت دیگران را به گردن رقیب انداخت [انداخته؟] ببیند. آنچه را که دیدند کمر همت را بستند موانع را رفع فرمودند؛ شد آنچه که شد که یک صد و بیست و نه سال است در سایه آن تدبیر، این خانواده بحمدالله مالک و الرقاب [مالک‌الرقاب] همه و بر همه برتری و سرافرازی داشتند؛ امیدوارم سالیان دراز و قرون بی‌شمار در سایه هم‌آسا مستدام و ممدود باد. ثانیاً، همین که طایفه قاجاریه اطمینان خاطر حاصل کردند از بذل مال و تقدیم ذره‌ای فروگذار نکردند، خورد و خوراک را حرام دانستند، در رکاب آن شاهنشاه جان

نثار کردند؛ ممالک وسیعه مفتوح و سلطنت به تأییدات الهی | الهی | و توجهات انمه اظهار علیهم السلام برقرار گردید. همین طور در زمان خاقان مغفور نورالله مضجعه که شاهنشاهزادگان در تمام ممالک محروسه چه قسم حفظ منافع سلطنتی را نموده، تا چه اندازه قوت و قدرت و شوکت سلطنت را به تمام عالم نمودند، همین در زمان جلوس شاهنشاه شهید ناصرالدین شاه، حسام‌السلطنه مرحوم در فتح هرات چه خدمتی به دولت قاجاریه نمودند که تا ابد آوازه آن در گوشهای جهانیان باقی است امروز، الحمدلله | الحمدلله | پادشاه جوانبخت دارای دیهم | ادیهم | شهریاری و این غلامان عموماً از نسل همان قاجار در همان رای و عقیده بل راسخ‌تریم. چرا؟ به دلیل عقلی ثابت خواهیم کرد؛ زیرا آن وقت طایفه‌ای بودیم راحت و آسوده. فقط اگر مناقشه ای | بود مابین چند نفر رؤسا | رؤسا | بود. فرضاً اگر به آن رؤسا اتفاقی رو می‌داد سایر طایفه راحت و آسوده بودند لکن حال بعد از یک صد و بیست سال ترتیبات طوری پیش آمده که امروز فرد فرد این طایفه در مخاطرات جانی، عرضی، ناموسی، شئونی، مالی، همه چیز هستند. بدیهی است به خودی خود مقدور نخواهد بود که خودمان را حفظ کنیم و از بلیات که به رأی‌العین می‌بینیم که خواه مخواه نازل می‌شود مطمئن و ایمن بمانیم مگر در تحت لوای اتحاد و اتفاق و سایه مبارک شاهنشاه ظل‌اللهی ارواحنا فداه. پس معلوم شد عقلاً و حساً و نقلاً که باید عموماً متفق شده در حفظ و حراست و پایداری این همایون درخت از بذل جان دریغ نداریم؛ قلماً، قلماً، قلماً، جاناً حاضر و آماده باشیم.

برای نیت خودم هیچ شاهدی بهتر از خود حضرت مستطاب عالی نیست. روزی که به خدمت عالی رسیدم همه اینها را عرض کردم و تصدیق فرمودید. به شاهنشاهزادگان عظام ظل‌السلطان و آقای نایب‌السلطنه هم همین‌طور عرض کردم. بالاتر از همه، مکرر بر مکرر، هر وقت موقعی به دست آمد با اشخاصی که مطمئن بودم به خاکپای مبارک | می‌رسانند | عرض کردم. فعلاً عریضه من در کیف مبارک ضبط است که آنچه را دیگران عرض نمی‌کنند همه را حفظ شخصیت خود کرده ظاهراً تصدیق باطناً منکر بوده و هستند. این بنده همه را به عرض رساندم. خدای من می‌داند او | شاهد است که هیچ خیالی در آن عریض جز مزید اقتدار و شوکت اعلیحضرت شهریاری نداشته و ندارم تا این‌که مراحم خودم در این کنج عزلت مشغول دردهای بی‌درمان خودم بودم. باز دو سه روز گذشت. همان شخص آمد اظهار داشت که باز راپرت دادند که معلوم است به کلی خاطر اقدس اعلی از این غلام آستان مبارک مطمئن شده شیطنت و حرکت مغرضانه مغرضین به خرج نخواهد رفت و رنگی در حنای آشوب طلبان نخواهد داشت. عرض و استدعا کردم یا مرخصی بفرمایند به فرنگ بروم یا مشغول خدمت باشم. می‌دانم کم‌کم این راپرتها کار خودشان را خواهند کرد و من هم مثل سایرین شارلاطانی | شارلاتانی | و



لازم از دست محبت و هدیه کفایت در کمال
 است منظور ما صدر نهم در دست سزای از دلگشا است
 به این دلیل که اینجانب بنام ناز در صورت کمال است
 و طرز است از جمله آن به نام استماع منظور ما نام است
 که در اثر از باز شده در دست سزای از دلگشا است
 این یک در دنیا صورت دفع مناسبت است
 تر جودت ما ما خندان
 جمله از حضرت رسالت با توجه آن که هر یک از حضرت
 علی بن ابی طالب و آن در از نام و نام است
 اهدام در حضرت و در میان آن خندان نیز که در جمله
 که در نزد حضرت علی بن ابی طالب رسالت حضرت
 همان در حضرت باطل حضرت علی بن ابی طالب است
 اکثر که از حضرت ما ناز به خود خواستیم

کتابخانه
 شماره
 تاریخ

دورویی بلد نیستم. باز آن شخص رفت؛ عرایض مرا به عرض رساند یا نرساند نمی‌دانم؛ اما خودم شخصاً اطمینان حاصل کرده بودم که آنچه عرض بکنند قبول نخواهد شد زیرا که وعده صریح فرموده بودند که آنچه راپرت از من بدهند از خودم تحقیق فرمایند. این مسئله را گویا کسی منکر نباشد که من انکار و دروغ را بلد نیستم پس از آنچه مرتکب شوم از اظهار آن هم دریغ نخواهم داشت.

آنچه به خود من راپرت می‌دادند که نظام‌السلطنه و فلان بهمان در چه خیال‌اند همه را در کمال بی‌اعتنایی رد می‌کردم و مطمئن به مراسم ملوکانه بودم تا این که در بستر ناخوشی خوابیده بودم که پالکونیک با پنجاه نفر سواره و پیاده قزاق برای ابلاغ مراسم همایونی آمده در اقیح‌ترین وجهی با کمال تشدد حبس کردند؛ حتی ضیاء‌الملک آمد یابوهای اسقاط کشته را هم ثبت و صورت برداشته، در کمال حیرت و تعجب که معنی این چه چیز است زیرا آنچه تا حال از بدبختیهای خودم که برای اطلاع خاطر عالی عرض خواهم کرد وعده فرمودند که تا شب عید همه را درست فرموده این بنده را آسوده فرمایند. این ترتیب که پیش آمد مات و متحیر که چه شده بعد خلاصه آنچه فهمیدم که عرایض نظام‌السلطنه در خاک‌پای مبارک موقع قبول افتاد جهت عرض نظام‌السلطنه چیست. این است که مجیرالسلطنه بعد از آن که من به کرمانشاه رفتم به لرستان رفته اهل و عیال مرا حبس کرده. تعجب نفرمایید، تمام دارایی و هستی [ای] که در این مدت دوازده سال ترتیب داده شده تمام را غارت کرده متجاوز بر یک صد و پنجاه هزار تومان که یکی را نمی‌تواند منکر شود. حالا چه کرده قلم را شرم می‌آید که بنویسم اسب و قاطر متجاوز بر چهار صد رأس برده، آنچه خودم داشتم هم، تمام نوکر حتی بابا قاپوچی و خواجه‌ها را لخت و غرت کرده. بدیهی است معدلت و ذره‌پروری قبله عالم قبولت [قبول] نخواهد کرد یک نکره‌ای با خانواده سلطنت چنین حرکتی بکند. البته تلافی خواهند فرمود؛ اموال منهویه را مسترد خواهند فرمود. شاهزاده ناصرالممالک که در هشت ماه قبل مطابق فرمان قضا توأمان همایونی مأمور استرداد این اموال شده کاملاً مسبوق است؛ احضار فرمایید عرض خواهد کرد. یک تلگراف به بروجرد و لرستان بفرمایید تحقیق نمایند آنچه را که من خجالت می‌کشم بنویسم آنها خواهند نوشت. برای این که خاطر مقدس را منصرف بدارد این‌طور خاطر مبارک را متغیر ساخته. عجب‌تر این که قسمتی به خاک‌پای مبارک جلوه داده بود که من در آن ساعت که پالکونیک مأمور حبس من بوده من از قم و عراق هم گذشته‌ام غافل از این که این بنده را جز آستان مبارک ملجأ و پناهی نیست و نخواهد بود؛ به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد.

خلاصه، اما بدبختی من؛ اولاً هر چه دارم غارت شده. امروزه خدای واحد شاهد است یک سمور اسماور؟! لازم ملزوم زندگی است باید از بازار خریده شود؛ ثانیاً یک

سال است حبس؛ ثالثاً دیناری از هیچ‌جا عایدی ندارم و لابد از گذران. اگر آنچه هم مقدور بوده یا به گرو رفته یا به فروش؛ رابعاً املاک کردستان توقیف، محصول پامال، رعایا از جور دوپست نفر سوار حکومت متواری و دربه‌در. املاک سایر جا هم همین‌طور در غارت، مواجب مقطوع، جنس مرحمتی دوباره به خرج آمده. گذران معین، طلبکار نامحدود، اضطراب و پریشانی و درماندگی و این بلیات واضح و آشکار. حتی نوکرهایی که از بیست سال تا چهارده سال الی حال که تا حال به همه قسم به زحمات آنها ساخته به هر یک تا چه اندازه در این مدت رعایت مهربانی پدری آقایی کرده‌ام. ده روز است رفته انجمن درست کرده فضاحی می‌کنند که پناه بر خدا. این خلاصه گذارشات [گزارشات] بود. اگر ممکن است صبر کرد بفرمایید باز حاضریم تمام این دردهای بی‌درمان را مکرر بر مکرر به هر طریق و زبان که ممکن بوده به عرض رساندم، عجز کردم، التماس نمودم. همه نوع هم وعده مرحمتی فرمودند. عاقبت از عدم طالع من این‌طور نتیجه حاصل شد. باز عرض می‌کنم تمام این صدمات در برابر یک مرحمت قلبی اعلیحضرت ولی نعمت شاهنشاهی ارواحنا فداه قابل اعتنا نیست. والله بالله این قاجاریه و این خانزادان هر چه باشیم به درد جان‌نثاری و خدمت می‌خوریم. کدام را عرض کنم که حضرت مستطاب عالی مسبوق نباشید. باری حالا که درد بی‌درمان مرا مستحضر شدید آنچه همت و غیرت خانوادگی ما حکم کند من حاضریم. زیاده تصدیع است.

[س ش ۵۶-ق]

[۲]

نامه سالارالدوله به عضدالملک نایب‌السلطنه درباره عدم تحقق یافتن
توصیه‌های او در جهت فراهم شدن لوازم آسایش وی در زندان

مهر سالارالدوله

از سالارالدوله به عضدالملک

قربانت شوم از بشارت صحت و سلامت مزاج مبارک کمال مسرت خاطر را حاصل نموده همه وقت سؤال من از درگاه احدیت همین است و بس اینکه درب باغ باز و امورات مهمه انجام شده اظهار مسرت فرموده‌اند. به همان ابتهاج خاطر عالی من هم قناعت می‌کنم (ناخوانا) از باز شدن در و آسایش ظاهری ممنون هستم، هرچند که هیچ یک از اینها صورت وقوع نیافته است، انشاءالله بعدها به توجهات عالی خواهد شد. چیزی که از حضرت مستطاب عالی متوقع هستم با کمال عجز مسئلت می‌کنم که به کلی

خودتان را از این زحمات آسوده فرمایید و پیش از این اقدام در زحمت و [...] خودتان نفرمایید بی‌جد و جهد هر کاری نمی‌رود از این پس به کردگار رها کرده به مصالح خیش [خویش]. من به همان توجهات باطنی حضرت عالی قانع و به همین خواست الهی شاکرم. از حضرت عالی باز با عجز خواهش می‌کنم که بیش از این صدمه و زحمت را بر خودتان راه ندهید. من هم به این وضع انس گرفته‌ام؛ بد نمی‌گذرد. شهر رجب [س. ش ۲۴۸۷۱-ق]

[۳]

نامه سالارالدوله به عضدالملک نایب‌السلطنه درباره تأمین امنیت جانی

و انتقال خود به روسیه

مهر سالارالدوله

از سالارالدوله به عضدالملک

قربانت شوم روز اولی که بشارت تشریف آوردن حضرت مستطاب اجل امر تعالی را دادند این مطالب را که رفته بودم که در روز ملاقات حضوراً عرض کنم خلاصه فرمایشات عالی را که آنروز رساندند لازم دانستم برای رفع اشتباه عرض کنم چون تصورات کلیتاً از عدم ناشناسی [عدم شناخت] این بنده است که هنوز مرا نشناخته. اولاً والله بالله تالله من به هیچ‌وجه خیالات مخالفت را ندارم لکن اگر درست به نظر دقت و انصاف ملاحظه شود حضرت واهب العطايا (ناخوانا) هم است [؟] دفاعیه را عطا فرموده است؛ با همه امکاتی که شاید می‌داشتیم باز دست روی دست گذاشتم به آنچه برسد می‌گویم. پس در این صورت به همین که فوراً تکلیف فرنگ می‌شود قبول می‌کنم. برای ثبوت صحت دعوی خودم است که تا حال جز راستی و صداقت قدمی برنداشتم. بدبختانه می‌بینم کشمکش روزگار وادار می‌کند محض اجتناب از همین بلیات است که راضی شده‌ام فرسخها از این مملکت فراری شوم. اولاً من هیچ خیالی ندارم؛ ثانیاً، عرض می‌کنم حضرت عالی مادامی که از روی کمال محبت و خلوص عقیده لطف می‌فرماید از طرف این بنده کمال اطمینان خاطر را داشته باشید که ذره‌ای بر خلاف قول خودم رفتار نخواهم کرد. گذشته از اینها الان من از اینجا با سی نفر قزاق و صریح نوشته دولت انگلیس که امنیت بر جان من داده است باز دقیقه‌ای از خیالات آسوده نیستم چگونه از اینجا تا رشت با دو (ناخوانا) گشتی خودم می‌روم. اولاً، می‌باید دولت روس ضمانت امنیت جانی از طهران الی رشت و از رشت مادامی که در قفقاز و خاک روسیه هستم بدهد. از ساعت حرکت از طهران هم دو نفر قزاق سفارت روس با یک صاحب‌منصب تا ورود به کشتی ناچاراً باید همراه من باشند؛ نباشد امکان ندارد قدمی بردارم. از طرف

دولت هر قدر از قزاق سوار غیر غیره بیشتر التفات شود بیشتر مایه تشکر و امنیت من خواهد بود. مابقی مطالب را حضوراً انشاءالله عرض خواهم کرد. حضرت عالی از کلیه آسوده باشید؛ و لکن والله بالله به خاک پاک قدوم مبارک شاهنشاه مرحوم که جانم قربان تربتش باد قسم که دیگر صبر نمانده، دیگر حوصله نمانده. می‌کشید زودتر، می‌بخشید زودتر، خلاص می‌کنید زودتر، نمی‌کنید زودتر؛ بالاخره مرگ یک دفعه شیون یک دفعه آخر حضرت عالی هر قدر با شأن مردانگی و فتوت و آقای و ریاست زندگانی کرده‌اید چه شده که حالا باید درباره این فرزند خودتان دریغ بفرمایید. آخر پدرم، آخر بزرگم، آخر آقا، التفات بکنید و دست بکشید مرا خلاص بکنید. بفرمایید یک مرتبه مرا آسوده بفرمایید. والله خدا را خوش نیست؛ پیش مخلوق خدا هم خوشایند نیست.

[س ش ۲-۲۴۸۶۱ق]

[۴]

نامه سالارالدوله به عضدالملک نایب السلطنه در اعتراض به حبس بی دلیل خود

نامه سالارالدوله به عضدالملک

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم افخم آقای عضدالملک دامت شوکه زحمت افزا هستم در این سه روز که بدون سبب و جهت محصور و محبوس کرده‌اند منتظر بودم به اقتضای پدری و ریاست خوانوادگی [خانوادگی] از طرف حضرت مستطاب عالی تفقدی و پرسش حالی شود؛ متأسفانه اظهار لطفی نفرمودید به همین دو کلمه مختصراً عرض کنم: آیا رواست که حضرت عالی زنده باشید روزگار این یک مشت بدبخت فلک‌زده این‌طور باشد؟ آیا انصاف شما مقتضی است که هیچ نپرسید آخر جهت، سبب [و] علت این حرکت چه چیز است؟ چرا باید تا این درجه بدون هیچ سابقه اهانتی بشود؟ هرگاه با ریاست حضرت عالی و غیرت خداداده برای خودتان شایسته می‌بینید، سزاوار می‌شمارید، عرض ندارم؛ رضاً بقضاء الله و تسلیماً له امره [لا مره] از این بنده همین قدر عرض حال است.

[س ش ۲۴۸۶۸-۲ق]

[۵]

نامه‌ای از سالارالدوله به عضدالملک نایب السلطنه درباره زندانی بودن در عشرت آباد

نامه‌ای از سالارالدوله به عضدالملک

قربانت شوم چقدر ما باید از الطاف عالی تشکر [کنیم] که زبان تشکر قاصر

است. از حق تعالی ازدیاد شوکت و صحت و سلامت مزاج شریف را مسئلت دارم. خیلی عجیب است که تازه تردیدی در ارادتم خدای نخواستہ حاصل شده است. این مسئله را به طور قطع و یقین عرض می‌کنم که در این فقره کمال اطمینان خاطر را داشته باشید؛ وقتی که قولی دادم از محالات است که تا آخرین قطره خونم خلاف قولم ظاهر شود مادامی که از طرف حضرت عالی حتی لطف و محبت امکان ندارد از طرف من خلافی صادر و ظاهر شود یا دقیقه [ای] از دقایق نصایح حضرت عالی غفلت کنم. باز عرض می‌کنم: نوش دارو که پس از مرگ به سهراب دهند عقل داند که بدو زنده نگردد سهراب. امیدوارم طوری بذل لطف شود که سموم هوای عشرت‌آباد دیگر در من زندگی و جانی باقی نگذاشته باشد. به سر مبارکتان عصری به قدری اوقاتم تلخ و دلم خفه شده بود که اندازه نداشت. از خدا یا فرج یا مرگ عاجل خواستم، که فرج بعد از شدت فرمایشات عالی را رساندند؛ اندکی روح رفته به جان باز آید [آمد]. شما را به خدای متعال زودتر مرا آسوده فرمایید. همان‌طور که فرموده‌اید برای ناصر الممالک و کالتنامه را نوشته فرستادم. اگر تغییر و تبدیلی لازم دارد بفرمایید آن‌طور بنویسم. مقصود آمدن این درب باغ زودتر باز شود تا من ترتیب امورات خود را بدهم که زودتر حضرت عالی از این همه تصدیع آسوده‌ام نمایید. زیاده زحمت است.

[س ش ۲۴۸۶۷ - ق]

[۶]

نامه به عضدالملک در خصوص رسیدگی به وضع سالارالدوله

خدمت حضرت اقدس والا زحمت‌افزا می‌شوم: اولاً، حضرت اقدس بزرگ طایفه قاجاریه هستید؛ ثانیاً، از حالات سالارالدوله مستحضر می‌باشید. مکرراً حضرت اقدس خواهش کردم جمعه اینکه او را بخواهید بیاید به طهران. به کمال مهربانی جواب مرحمت شد که انشاءالله با اجازه وزراء و وکلای مجلس مقدس او را می‌خواهیم؛ تشریف می‌آورد. این دلخوشی را به ما دادید لکن [لکن] اقدام نفرموده. نمی‌دانم جمعه چه شد. بعد از اینکه سردار ملی و سالارملی و سپهدار و حاجی الله‌قلی خان تلگراف زدند او را خواستند فوراً حرکت کرد تا به انزلی هم آمد. معلوم نشد کدام خدانشناسی اسباب شد که برگردد به فرنگستان. حضرت اقدس چرا باید تفحص نفرمایید که کی این دشمنی را کرده، مانع شده. او را برگردانیده. آخر بپرسید تقصیر سالارالدوله چه می‌باشد. بعد از اینکه او را تاراج کردند مدتی هم گرفتار بود. حال مدت دو سال است که در خارجه است غریب و تنها. و آنچه هم که در این فاجعه اولادش و عیالش گذارده بود

همه را تمام کردند. به عیالش هم ثمری بخشید. حضرت اقدس همه را مطلع شدید؛ هیچ نفرمودید. خداوند در یک طایفه یکی را [که] بلند می‌کند باید ملاحظه ارحامش را بکند، رسیدگی به کارشان بکند، اگر گرفتار باشند به دردشان برسد. اگر شما فکر نباشید کی به فکر ماست. خیلی عجیب است که تا به حال اقدام نفرموده. و مردمان غریب غیرت‌شان شد که پسر پادشاه مسلمان باشد، بی‌تقصیر در خارجه بماند، و اهل و عیالشان در طهران بی‌صاحب پریشان بمانند؛ باید بیاید بهر اهل و عیالش. اما حضرت اقدس قوم خویش باشید، از همه کس بالاتر باشید، و قادر هم باشید. غیرت شما قبول کند که سالارالدوله بی‌گناه در ولایت خارجه بماند، مادر بیچاره و اهل و عیال منتظر سرگردان باشند. در دنیا رحم خوب است. سالارالدوله از خودتان است. می‌دانید که خیلی تحمل کرده است. الحمدلله حضرت اقدس به عمرتان پست [و] بلندی خیلی دیدید؛ دنیای دوروزه وفا [و] بقائی ندارد؛ نام نیک از آدم بماند بهتر است. حالا که کارها دوروز است فکر آخرت هم باشیم.

[اس ش ۲۱۳۸۳-ق]

[۷]

تلگراف هئیت تجار طهران به انجمن ایالتی خراسان جهت تشکر از آیتین نجف و قوای دولتی و مردم در شکست اردوی سالارالدوله

شیر ایستاده - خورشید - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به مشهد و ولایات / دفتر انجمن ایالتی خراسان / نمره ۴۱۹۵

نمره ۳۶۳ دولتی / روش‌نگار / عدد کلمات ۶۰۰ / شب ۲۸ اسد
 اما خودم شخصاً اطمینان حاصل کرده بودم که آنچه عرض بکنند قبول نخواهد شد زیرا توسط انجمن ایالتی خدمت حضرات حجج الاسلام و عموم آقایان تجار محترم و سایر اهالی دامت افاضاتهم در این موقع محض اطمینان قلوب و خوشنودی خاطر محترم تمام طبقات اهالی این اخبارات صحیحه را لازم دانست به عرض آقایان محترم برسانند: اول، بحمدالله از عنایات صاحب شریعت و توجهات آیتین نجف اشرف و جدیت هیئت دولت و موافقت صمیمانه قوه مقننه با قوه مجریه و اتحاد و اتفاق معنویه عموم طبقات از علماء و تجار و اصناف و احزاب سیاسی و فرط بروز احساسات ملی که فوق انتظار ما از هر طبقه و هر نقطه ظهور نموده امورات را حسن جریان حاصل و جالب توجه و امیدواری شده. ایرانی نباید از این پیشامدهای موقت که عالم عالم نتایج بدیع و دایمی را حاوی است مکدر و متألم شوند زیرا وقتی که جزئی مضار این پیشامد را با

منافعهای آن‌که از جمله محسناتش جمع تفرقه و حصول اتحاد و اتفاق و فقدان نفاق و شقاق بین عموم طبقات است مقایسه نماییم مقبون [مغبون] نیستیم بلکه ممنونیم؛ دوم، عموم علماء و هیئت دولت را در اجرای احکام آیتین نجف اشرف که به تازگی شرف صدور یافته در دفع محمدعلی میرزا متفق و حاضرند؛ سوم، به موجب خبر رسمی صحیح در ۱۶ شهر جاری جمعیت محمدعلی میرزا که به سرکردگی رشیدالسلطان در فیروزکوه مازندران بودند بحمدالله از قشون اردوی منصور دولتی که به سرکردگی آقایان سردار محیی و معین همایون بختیاری اعزام شده بود شکست فاحش خورده جماعتی از آنها مقتول و خود رشیدالسلطان بعد از صرف دو گلوله با چند نفر دیگر از رؤسا دستگیر و بعد از دستگیری رشیدالسلطان هلاک شده و جمعی هم تسلیم و قلیل باقی مانده فراری و متواری شده‌اند و تمام فیروزکوه به تصرف اردوی دولتی [در] آمده و برای سرکوبی متمرذین اردوی دولتی به داخله مازندران عزیمت دارد و انشاءالله در همه جا مظفر و منصور خواهند بود و فقط این فتح نمایان به دست آقای علی مرادخان فرزند رشید آقای سردار ظفر بختیاری سرکرده سوارها و پیشقراول اردوی دولتی شده است؛ چهارم، چند روز قبل آقای امیر مفخم بختیاری حسب الامر دولت بایک اردوی بسیار منظم بالغ بر دوازده هزار نفر قشون مرکب از نظامی و بختیاری و الوار و غیره از بروجرد به طرف کرمانشاه برای سرکوبی متمرذین و دستگیر نمودن سالارالدوله حرکت نموده که یوم قبل تلگرافشان از کنگاور سه منزلی کرمانشاه رسید؛ عمأً قریب وارد کرمانشاه خواهد شد؛ پنجم، اردوی دیگر بالغ بر شش هزار نفر به توسط خوانین همدان در نزدیک همدان تشکیل یافته؛ ششم، آقای سردار ظفر بختیاری با اردوی منظم، از نظامی و بختیاری، امروز از مرکز به طرف همدان حرکت خواهند فرمود؛ هفتم، اردوی عراق به سرکردگی سردار معتضد چندی قبل اعزام شده بود، به اردوی همدان ملحق گردید؛ هشتم، اردوهای متعدد از مرکز و نقاط دیگر تشکیل شده؛ نهم، اردویی در خمسه به توسط آقای جهانشاه خان امیر افشار تشکیل یافته که به حدود گروس و کردستان عازم خواهند شد؛ دهم، دو روز قبل اردوی منظمی برای دستگیر نمودن ارشدالدوله از مرکز [؟] به طرف سمنان اعزام شد؛ یازدهم، سوار و پیاده بختیاری همه روزه پشت سر هم به مرکز وارد می‌شود، دوازدهم اهالی کرمانشاه به واسطه تعدیات جابرانه سالارالدوله و گرفتن جرایم فوق‌العاده از تجار و کسبه تعطیل عمومی نموده‌اند.

الحق باید تمام ایرانیان از تفقدات پدران آیتین نجف اشرف و علمای طهران و جدیت و کلامی کرام و فعالیت و زرای عظام و فداکاری تمام سرداران فخام خصوصاً خوانین و افراد ایل جلیل بختیاری نهایت تشکر را داشته باشیم. هیئت تجار طهران -

به تاریخ ۲۰ شعبان ۱۳۲۹ تنگوزئیل گرفته شد. (برابر با ۱۶ اگوست ۱۹۱۱)

[۸]

اطلاعیه قوام السلطنه به عموم حکام ولایات درباره شکست اردوی سالارالدوله

در دو فرسخی ساوه

شیر ایستاده - خورشید - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از طهران به مشهد/ دفتر انجمن ایالتی خراسان/ ۷ شوال ۱۳۲۹/ برابر ۱ اکتبر ۱۹۱۱
 عموم فرمانفرمایان و حکام ایالات و ولایات تلگراف فتح اردوی دولتی و شکست
 اردوی اشرار که امروز بعد از ظهر رسیده است عیناً درج می شود:

مقام منیع هیئت وزراء عظام ظلهم العالی الیوم که سوم شهر شوال است، قبل از طلوعه
 آفتاب، اردوی دولت از آسیابک حرکت کرده قبل از وقت با اردوی سردار ظفر و
 سردار جنگ قرارداد داده بوده که امروز باید به خواست خداوندگار اردوی سالارالدوله را که
 در قریه باغ شاهی دو فرسخی ساوه منزل دارد به کلی تمام کنیم. با نقشه صحیح، اردو با
 قشون یاغیان مقابل گردید نظر علی خان لرستانی تمام تپه ماهورهای سمت ساوه را
 گرفتند؛ با اردوی سردار ظفر و سردار جنگ با کمال سختی می جنگند. یکی داودخان
 کلهر و پسر والی پشت کوهی و سواران همدانی و کردستانی و پسران ظهیرالملک
 کرمانشاهانی و حاجی علیرضاخان گروس با پنج عراده توپ هفت سانتی مطر
 [سانتی متر] و هشت سانتیمتری اطریشی با اردوی بندگان بنای جنگ را می گذارند. دو
 ساعت و نیم نایره جنگ در اشتعال بود. بحمدالله با حملات پیایی در اردوی منصور
 عاقبت همگی ایشان شکست خورده فرار نموده. واقعاً چنین فتح عبرت انگیزی تا به
 حال در این مملکت اتفاق نیفتاده. قریب پانصد نفر از سواران مزبور لرستانی و
 کردستانی و کرمانشاهانی و همدانی و گروسی و غیره که از لباس و کلاهشان معلوم است
 از قشون اشرار مقتول شده و تمام چادرهایشان به جای خود باقی مانده است. پنج عراده
 توپ دولتی بحمدالله تماماً به تصرف اردو درآمده. جمعیت حضرات، از همه جهت،
 متجاوز از چهار هزار نفر بودند که پانصد نفر مقتول و بقیه فرار اختیار نمودند. از اردوی
 دولتی ده نفر سوار بختیاری مقتول و مجروح شده. عجلتاً غیر از این مطلبی قابل راپورت
 نیست. قریب یکصد نفر هم دستگیر شده لیکن هنوز استنطاق نشده اند. غلامحسین،
 جعفرقلی بختیاری، یفرم، البته مضمون این تلگراف را به عموم اهالی اعلام نمایند که از
 فتوحات اردوی منصور و شکست اشرار مطلع و مسرور باشند. دیگر برای مستبدین و

معاندین دولت و ملت روح و جانی باقی نمانده است. چهارم شوال - قوام السلطنه^{۲۳}
[س ش ۳۰۷۶۳]

[۹]

تلگراف خسروخان سردار ظفر^{۲۴} و نصیر سردار جنگ^{۲۵} از قم به طهران
درباره جنگ نیروهای دولتی با قشون سالارالدوله در ساوه

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

فوری دولتی

از قم به طهران

مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء و هیئت محترم وزراء دامت شوکتها
برحسب عرض تلگرافی ظهر یکشنبه غره پیشقراولان اردوی چاکران وارد ساوه شدند.
چند نفر سوار اردوی سالارالدوله در ساوه بود فرار نمودند. تعاقب کردند، دو نفر هم
کشتند، مابقی فراراً رفته. بعد از ظهر خودمان وارد شدیم. چند نفر از سواران کلهر در
عبدلآباد یک فرسخی بودند؛ چند نفر سوار فرستادیم که آن قریه را بگیرند. جنگ
شروع شد. جمعیت کلهر از باغشاهی به کمک آنها آمده جنگ سختی شد. آنها را از قریه
خارج نموده با اینکه کلاً یک هزار و پانصد سوار بودند آنها تا گردنه [ناخوانا] زرنده
می‌رود تعاقب نمودند. پنج شش نفر از آنها کشته شد. چند اسب از آنها آوردند. غروب
شد، تاریک بود. پس از سه فرسخ تعاقب سوار خودمان دو ساعت از شب گذشته به
عبدلآباد فرستاده مراجعت کردند. اردوی باغشاهی هم امشب به طرف زرنده رفته
است. به سر مبارک خودتان امروز رشادت و شجاعت فوق‌العاده از سوار بختیاری به
ظهور رسید. اگر شب نشده بود تمام کرده بودند. از اردوی سردارین هیچ خبر نداریم؛
امشب آدم مخصوص فرستاده‌ایم. فردا را خیال داریم که یک نفر از خودمان با پانصد نفر
سوار به زرنده و آسیابک برویم. به فضل خداوند متعال فردای دوشنبه کارشان را یکسره

۲۳. میرزا احمد خان قوام‌السلطنه وزیر داخله.

۲۴. خسروخان سردار ظفر از طایفه دورکی هفت‌لنگ پسر چهارم حسینقلی‌خان بختیاری در سال ۱۲۷۸ق متولد
شد او ابتدا بهادرالدوله سپس سالار ارفع و بعد سردار ظفر لقب گرفت و ایل‌یگی و ایلخانی‌گری و
حکومت‌های چهارم‌حال بختیاری و اصفهان و کرمان را به عهده داشت وی در حوادث مشروطه حضوری
فعال به هم رسانید و در جنگ‌های زیادی به طور مستقیم و غیرمستقیم شرکت داشته در جنگ با سالارالدوله
او از فرماندهان مشروطه‌خواه بود.

۲۵. نصیرخان سردار جنگ پسر امامقلی ایلخانی از فرماندهان مشروطه‌خواه در جنگ با سالارالدوله

خواهیم نمود و به کلی قلع راه خواهد شد. انشاءالله فردا شب خبر فتح ثانی و دستگیری داودخان و نظرعلی خان را عرض خواهیم نمود. دوشنبه - خسرو - نصیر. شب ۵ شوال ۱۳۲۹، ساعت ۲/۳۰ / برابر با ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۱

[س ش ۵۵ و ۵۴-۱۲۵۳۶]

[۱۰]

تلگراف نمایندگان خراسان به انجمن ایالتی خراسان درباره شکست اردوی سالارالدوله در ساوه

شیر ایستاده - خورشید - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

دفتر انجمن ایالتی خراسان/ ۱۱ شوال ۱۳۲۹ / برابر با ۵ اکتبر ۱۹۱۱ / نمره: ۴۳۵۶

از طهران به مشهد / شب ۶ میزان / نمره دولتی: ۴۶ / عدد کلمات ۸۵

انجمن محترم ایالتی خراسان با یک دنیا مسرت خیر فتح اردوی دولتی را اطلاع می‌دهم که سیم شوال سرداران بختیاری و مسیو یفرم خان با سالارالدوله چهار هزار قشون او در باغ شاه ساوه جنگ کرد. پانصد نفر از اشرار مقتول صد نفر اسیر و پنج عراده توپ گرفته‌اند. سالارالدوله و نظر لرستانی و داود خان کلهر و سایر روساء و دسته‌جات قشونی دشمن فرار کرده‌اند. البته این مژده بزرگ را به عموم وطن‌خواهان ابلاغ فرمایید. نمایندگان خراسان -

به تاریخ ۵ شهر میزان سنه ۱۳۲۹ تنگ‌زئیل گرفته شد. اس ش ۱۳۰۷۵۸

[۱۱]

نامه فردی بنام ذبیح‌الله به انجمن ایالتی خراسان و سیستان درباره ورود

محمدعلی میرزا به ایران

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

انجمن ایالتی خراسان و سیستان

نمره کتاب ثبت ۴۴۸۵ / جلد ۳۲ / جزوه ۵

اقدام سابق ۴۴۷۶ / ضمیمه ۱ / تاریخ ۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۹ / برابر با ۲۴ اکتبر ۱۹۱۱

کفیل ایالتی کبرای مملکتان خراسان و سیستان

مراسله نمره ۸۵۸۶ واصل. قبل از دریافت این مراسله، به واسطه بعضی راپورتهای

تلگرافی آمدن محمدعلی میرزا را به طرف خراسان می‌دانیم. نتیجه مذاکرات انجمن سواد تلگراف جوف است که ملاحظه می‌فرمایید؛ اقدامات انجمن این بوده است. جناب عالی هم نظر به مسئولیتی که دارید به وظیفه خودتان رفتار فرموده؛ انجمن ایالتی به هیچ وجه خودداری در مساعدت ندارد. انجمن ایالتی [ناخوانا] سواد مطابق با اصل است. ذبیح‌الله
[س ش ۳۰۷۲۸]

[۱۲]

نامه قوام السلطنه به انجمن ایالتی خراسان درباره ورود محمدعلیشاه به ایران و مقابله با آن

تاج - شیر ایستاده - شمشیر
دارالشورای کبری

انجمن ایالتی خراسان و سیستان

سواد: تلگراف وزارت جلیله داخله

مورخ ۲۴ میزان ۱۲۹۰ برابر با ۲۳ شوال ۱۳۲۹/نمره: تلگراف ۵۹۴ دولتی

به توسط نایب‌الایاله، متحدالمال به عموم حکام و مأمورین سرحدی خراسان مخابره شود: موافق اطلاعاتی که رسیده محمدعلی میرزا چون خود را در استرآباد مستأصل دید از آنجا به خاک روسیه فرار کرده و به عشق‌آباد رفته است. همراهان و اتباعش هم متفرق و پراکنده شده هر یک به سمتی فرار کرده‌اند. لهذا اکیداً می‌نویسم که باید خیلی مراقبت داشته باشید که هرگاه محمدعلی میرزا خواست به خاک خراسان ورود کند فوراً او را دستگیر نمایید، اطلاع بدهید؛ و اگر در این باب از شما مسامحه و غفلت ظاهر شود مسئول سخت و [مورد] مواخذه دولت خواهید بود. نمره ۳۲۵ - قوام‌السلطنه. سواد مطابق اصل است. [مهر دفتر انجمن ایالتی خراسان]
[س ش ۳۰۷۱۴]

[۱۳]

تقاضای حاکم خراسان از انجمن ایالتی خراسان و سیستان برای چاره‌اندیشی در خصوص حمله محمدعلیشاه

تاج - شیر ایستاده - شمشیر
وزارت داخله

ایالت خراسان و سیستان/نمره: ۸۵۸۶/اول عقرب ۱۲۹۰ برابر با ۱ ذیقعد ۱۳۲۹

دفتر انجمن ایالتی خراسان/نمره: ۳/۴۴۸۵ ذی قعدة ۱۳۲۹/ برابر با ۲۶ اکتبر ۱۹۱۱

ریاست انجمن محترم ایالتی خراسان دام بقانه

متواتراً خبر آمدن محمدعلی میرزا رسیده؛ و از قرائن هم باید صحیح باشد. هر قدر به طهران تلگراف می‌کنم به تلگرافخانه بیابند بروم مطالب را حضوراً گفت و گو و کسب تکلیف کنم حاضر نمی‌شوند. کار به این مهمی را مسکوت عنه گذاشتن از همه خارج است. چه کنم؟ تکلیف بنده را معین نمایید که کار از کار نگذرد کار اعتباری ندارد. علی‌الفضله [۹] اگر این آدم وارد شد با بی‌تکلیفی از مرکز چه تدبیر می‌توان کرد؟ زود انجمن محترم چاره بفرمایید و دستورالعمل لازم بدهید. ایالت خراسان
[س ش ۳۰۷۲۹]

[۱۱۴]

نامه عده‌ای از رجال به انجمن ایالتی خراسان درباره حضور محمدعلی میرزا در ایران

و کسب تکلیف جهت برخورد با او

شیر و خورشید - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

دفتر انجمن ایالتی خراسان/ نمره: ۴۶۱۴ / ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۹/ برابر با ۹ نوامبر ۱۹۱۱

از طهران به مشهد/ نمره: ۹ دولتی / ۵ عقرب ۱۲۹۰

انجمن محترم ایالتی به طوری که حضرت وزیر داخله یوم قبل به آقای سردار سعید جواباً تلگراف نمودند، اطلاع از محل محمدعلی میرزا داده شده؛ حالات او معلوم نیست. دولت متوجه حرکات او می‌باشد و در خصوص حقوق قشون و غیره مذاکراتی که با وزارت داخله نموده‌ایم جواب بالآخره [بالآخره] همان است که در جواب حضوری آقای سردار سعید داده‌اند. از جهت تقاضای حضوری انجمن هم یوم قبل و امروز عده [ای] از نمایندگان در تلگرافخانه حاضر شدیم و منتظر بودیم که تا ظهر سیم را گفته دست خارجه است. بنا بود مطالب خودتان را حاضر کرده بدهید که شب به طهران مخایره نمایند با وزارت داخله جواب بگویند. محمدمهدی اردبیلی معززالملک، افتخار الواعظین، محمدهاشم قاجار، متین السلطنه، کاشف، شیخ علی معدل الدوله.

ثبت شود. [مهر انجمن ایالتی خراسان]

به تاریخ ۶ شهر ذی قعدة ۱۳۲۹ تنگوزئیل گرفته شد. [س ش ۳۰۷۰۱]

تلگراف اورنگ‌الملک به مشیردیوان پیشکار حکومت کردستان
دربارۀ اجرا نکردن احکام سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ریاست وزراء

سواد تلگراف کردستان

مورخ ۲۰ شهری قعدۀ ۱۳۲۹ برابر با ۱۲ نوامبر ۱۹۱۱/نمره ۹۴

آقای مشیردیوان

از قرار خبری که رسیده شما به عنوان حکم سالارالدوله، فرستاده املاک آقای حاج فخرالممالک را ضبط نمودند، که از شنیدن این خبر نهایت تعجب و حیرت برای این جانب دست داد که شما با آن تعهداتی که کرده بودید و مذاکراتی که بعضی از دوستان شما مشعر بر صحت تعهدات شما بود می‌کردند و به این سبب دولت از اعزام اردو به کردستان صرف‌نظر نمود این اقدام شما را بر چه باید حمل کرد؟ گویا دولت را بازچه تصور کرده‌اید، سخط و قهاریت دولت را غفلت و فراموش نموده. سالارالدوله که از اردوی نصرت شکست خورده و فرار نموده شما هنوز به اسم او حکم، حکم می‌کنید و از وخامت عاقبت این حرکات نمی‌ترسید. اکیداً می‌نویسم باید املاک مذکوره را به فوریت از توقیف خارج نموده مداخله خود را از آنجا برداری و اگر وجهی از بابت اجاره یا به عنوان دیگر از آن املاک گرفته‌اید بدون امر، در وقت استرداد نموده و احدی را نگذاری متعرض ملک و رعیت مذبوره [مزبور] باشد. چنانچه برخلاف گفته این جانب رفتار کنی و آنچه را که گفته‌ام معمول نداری صریحاً می‌گویم دیگر نباید انتظار همراهی و مساعدت از طرف هیئت دولت درباره خودت داشته باشی و به کلی باید به واسطه این حرکت به خلاف انتظار که از شما ناشی شده از دولت چشم‌پوشی. منتظر نتیجه اقدام و خبر شما هستم که به زودی برسد. اورنگ‌الملک.^{۲۶}

[س ش ۵۶۳۹۸ - ن]

[۱۱۶]

نامه انجمن ایالتی خراسان به وزارت داخله در اعتراض رسیدگی نکردن به درخواستهای
انجمن ایالتی خراسان جهت احتیاجات جنگی

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

انجمن ایالتی خراسان و سیستان

نمره کتاب ثبت ۴۶۹۰/اقدام سابق ۴۶۸۹/تاریخ ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۹/برابر با ۱۶

نوامبر ۱۹۱۱

طهران

توسط نمایندگان محترم خراسان، وزارت جلیله داخله دامت شوکته درخصوص
راپورتهای واصله از بجنورد تاکنون به اختطارات انجمن اهمیت ندادند؛ گمان داریم عدم
توجه اولیای امور اشکالاتی برای این مملکت خواهد نمود. اینک تلگرافی رسیده عیناً
درج می شود (انجمن محترم ایالتی خراسان در باب تفنگ و فشنگ هر چه تاکنون به
اولیای امور التماس شده نفرستاده اند. در این موقع که به اغوای شخص معلوم، از قرار
اخبار واصله، اشرار تراکمه متهاجماً پیش می آیند و مقصودشان ارض اقدس می باشند
در هر حال اولین جلوگیری از طرف بنده و سوار بجنوردی است. لازم است به سرعت
هر چه تمام تر، تفنگ و فشنگ با دو عراده توپ کوهستانی برای استعداد این ولایت
بفرستید که بتوانم از عهده خدمت برآیم. صراحتاً عرض می کنم اگر قورخانه کامل به
زودی نرسد با بی استعدادی ابداً مسولیتی ندارم. نمره ۲۳۳ عزیزالله شادلو چون سردار
معزز رفع مسولیت از خود کرده اگر سریعاً عطف توجهی نشود دولت دوچار [دچار]
زحمت خواهد شد. انجمن ایالتی خراسان [مطالعات مرتبی] [س ش ۳۰۶۷۸]

[۱۱۷]

اطلاعیه قوام السلطنه درباره شکست اردوی سالارالدوله در لرستان

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ایالت خراسان و سیستان

سواد تلگراف وزارت جلیله داخله

نمره تلگرافی ۷۶۱/مورخه ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۹/برابر با ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱

دفتر انجمن ایالتی خراسان/ ۱۲ ذی حجه ۱۳۲۹/نمره ضمیمه ۴۷۹۲

به عموم فرمانفرمایان، حکام ایالات و ولایات، راپورتی در فتح اردوی دولتی و

شکست سالارالدوله و اشرار از ملایر رسیده که عیناً درج می‌شود: (پاکتی امروز از آقای سردار بهادر از عشرستان دو فرسخی بروجرد رسیده است که الحمداله [الحمدلله] فتح بزرگی برای اردوی منصور دولتی حاصل: ضرغام السلطان خزلی با ظفر السلطان نهاوندی و سردار امجد پسر ضرغام السلطان و ناصر نظام نهاوندی گرفتار و پانصد سوار آنها مقتول و دستگیر شده‌اند. عبدالحسین) و در راپرت دیگر خبر می‌رسد که تمام اشرار فرار کرده‌اند. سالارالدوله هم بروجرد را تخلیه و فرار کرده است. البته فتح اردوی دولتی را به همه جا اعلام نمایند که اهالی مطلع و مسرور باشند. ۲۵ ذی‌قعدة (قوام السلطنه) - سواد مطابق اصل دفتر ایالتی.

[۱۸]

نامه‌ای از امام جمعه قوچان به انجمن ایالتی مشهد

در پاسخ درخواست صد سوار مسلح از قوچان

شیر و خورشید - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

دفتر انجمن ایالتی خراسان / نمره: ۴۸۱۵ / ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۲۹ / برابر با ۳ دسامبر ۱۹۱۱

از قوچان به مشهد / نمره: ۴ / عدد کلمات ۸۰

خدمت آقایان وکلای انجمن ایالتی دامت برکاتهم از طرف ریاست کل قشون خراسان صد نفر سوار با اسلحه از قوچان خواسته‌اند. با خالی بودن این سرحد بزرگ مخوف و استعداد کافی و انتشار اخبار موحشه، علت این احضار چه چیز است؟ متمنی است علت آن را مکشوف فرمایید و ملاحظه اهمیت استعداد اینجا را اغماض نفرمایید. چون در حرکت این سوار احتمال سلب امنیت هم بود لذا عرض شد. منتظر تعیین تکلیف هستیم. انجمن ولایتی قوچان، نمره ۱۶۷ امام جمعه به تاریخ ۱۱ شهر ذی‌حجه سنه ۱۳۲۹ تنگوزئیل گرفته شد. اس ش ۱۳۰۶۴۹

[۱۹]

نامه اورنگ‌الملک به اعظم‌الدوله و اعتلاءالدوله و بست‌نشینان کنسولگری

انگلیس در کرمانشاه

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ریاست وزراء

سواد تلگراف کنگاور / مورخه غره محرم ۱۳۳۰ / برابر با ۲۲ دسامبر ۱۳۳۰ / نمره ۱۰۹۸

رئیس تلگرافخانه کنگاور، به فوریت این تلگراف را به توسط قاصد مخصوص به کرمانشاهان فرستاده و معجلاً برسانید

جنابان جلالتمابان آقایان اعظم‌الدوله و اعتلاءالدوله و سایر آقایان متحصنین^{۲۷} تلگراف جناب‌عالی واصل و از تفصیل آن استحضار حاصل نموده از اقدامات و خدمات جناب‌عالی به دولت نهایت مسرت برای اولیای امور حاصل و همواره منظور نظر است و در موقع از طرف دولت بذل مرحمتی به پاداش آن خواهد شد. محض اطمینان قلبی جنابان‌عالی می‌نویسم که بدانید اولیای دولت آنی و دقیقه [ای] نقطه‌نظر خود را از کرمانشاهان و اهالی آن سامان برنداشته و با کمال جدیت در صدد ترتیب اصلاح امور آن نقطه خواهد بود چنانچه دو روز است عده کثیری از سواران مسیو یفرم‌خان با استعداد کامل به سمت کرمانشاهان عزیمت نموده و خیلی زود خواهند رسید و در همین دو سه روزه هم حاکم مقتدری با استعداد زیاد از سوار و غیره برای قلع و قمع اشرار معجلاً حرکت خواهد نمود. مطمئن باشید که سالارالدوله را دستگیر و به سزای خود خواهد رسانید. نمره ۱۰۹۸ - اورنگ‌الملک.

[س ش ۵۳۰۸۱ - ن]

[۲۰]

نامه بست‌نشینان قونسولخانه کرمانشاهان به نایب‌السلطنه و هئیت وزراء درباره باز پس گرفتن کرمانشاه از دست اردوی سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از کنگاور به طهران / نمره دولتی ۲۷ / عدد کلمات ۲۰۰

حضور مبارک والاحضرت نیابت سلطنت و وزراء عظام دامت تائیداتهم چون شکر هر نعمتی بر بندگان اوجب است [است] لهذا خاطر آن ذوات مقدس را مسبوق می‌دارد: وجود مبارک آقای یارمحمدخان سردار را تمجید می‌نماییم اگرچه واقعاً از عهده عشری از اعشار مراقبت ایشان بر نمی‌آییم با اینکه تمام رؤسای طوایف و ایلات داودخان سردار مظفر، علی مرادخان کهریزی و رؤسای جز با سالارالدوله در شهر همراه با کمال جدیت ایستاده بودند و اهالی شهر غالباً همراه بلکه کلیه [کلیتاً] در مقام مقاتله و مجادله حاضر

۲۷. اعظم‌الدوله نایب‌الحکومه کرمانشاه و اعتلاءالدوله کارگزار محمره در کنسولگری انگلیس بست می‌نشینند و خواستار برگزاری جنگ در خارج از شهر می‌شوند تا مردم دچار خسارت نشوند.

بودند قریب ششصد سوار هم در خارج شهر در پل قره‌سور پیش‌جنگ قرار داده بودند به دو حمله غیورانه سواره پیش‌جنگ را اول حمله متفرق و به حمله دویم شهر را به تصرف درآوردند. هیچ تصور نمی‌توان کرد الا دست قدرت خدا با این شخص اول تاریخی ایران یارمحمد خان سردار بود والا این دوکار بزرگ از قوه بشر خارج و بحمدالله فعلاً در شهر امنیت و نظم و آسایش از برای اهالی موجود است.

متحصنین قونسولخانه: اعظم‌الدوله، محمود نهاوندی، اعتلاءالدوله، سالارالسلطان، سعیدنظام، ابوالحسن معین‌الاشرف، حاجی آقا سیف‌السلطان، نصرالله اعتضادالملک، عمادالرعایا، حبیب‌الله، مهدی

به تاریخ ۲۷ شهر دلو تنگوزئیل سنه ۱۳۳۰ برابر با ۷ نوامبر ۱۹۱۲

[س ش ۵۲۹۷۴ - ن]

[۲۱]

نامه یارمحمد کرمانشاهانی از قزوین به طهران درباره حرکت سالارالدوله از همدان به

کردستان و حمایت روس از او

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

ناج - شیر ایستاده - شمشیر

از قزوین به طهران نمره ۱۲ دولتی عددکلمات ۱۲۰

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء دامت شوکنه‌العالی از قرار تحقیق مذکور است قونسولخانه همدان، سالارالدوله در همدان خیال کردستان دارد و روسها او را به طرف آذربایجان و زنجان دعوت می‌کنند و می‌گویند شما سخت بایستید تا کمک از کردستان برای شما حرکت کرده است و نوید وارد کردن قشون به قزوین داده که آنچه از دست برآید اقدامات خواهیم کرد. بعضی پلیتکات [پلیتیکات] از مجاهدین اینجا ایراد خواهیم گرفت تا آنکه افواج وارد کرده. تا آنها را حرکت خواهیم داد شما اقدامات بکنید. طرف آذربایجان و زنجان سیم مغشوش است. در آنجا هم شب و روز مشغول دسیسه تاکنون به هر نحوی که است جلوگیری شده و بعد هم خواهد شد. اطلاعاً عرض شد. یارمحمد کرمانشاهانی.

[س ش ۳۸۳۴۶ - ن]

[۲۲]

راپورت فردی به نام اسدالله به قوای دولتی درباره شکست و فرار اردوی سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

راپورت خرم آباد شب نهم جوزا

عرض شد آقای جعفرقلی خان، حسب الامر دولت، با عده برای جلوگیری سالارالدوله حرکت نمودند. صبح نهم جوزا سر پل ولی آباد بی خبر یک مرتبه سوار سالارالدوله به طرف آقای جعفرقلی خان و سایرین یورش آورده. جعفرقلی خان و میرزا محمدخان سرتیپ و چند نفر دیگر مقتول. از آن طرف هم شش و هفت نفر مقتول بقیه فرار نموده به قریه شتارود رفته آنجا را سنگر می گیرند. پس از این خبر، جمعی دیگر تفنگچی به کمک آقای جعفرقلی خان می روند. اشرار سالارالدوله را به کلی مضمحل نمودند. جمع کثیری مقتول شده و قریب سی نفر از سرکرده و غیر سرکرده دستگیر شده الان در خرم آباد حبس شدند. معلوم شد همان شب نهم جوزا خود سالارالدوله با عده ای از قرار مذکور قریب هفتاد هشتاد نفر می باشند از اول خاک مازندران به کشتی نشسته صبح دهم جوزا در چابک سر پنج فرسنگی خرم آباد پیاده می شوند و فوراً حکم به قطع سیم می نمایند امروز پنج روز است سیم پاره و مقداری سیم را برده اند و غابریں را هم می گیرند. غلام برای دایر کردن سیم فرستاده شده؛ بعد از دو روز مراجعت کرده اظهار داشت که (یک کلمه خوانده نشد) را دارند، ممکن نیست بتوانم سیم را ببندم. از قرار خبری که رسیده است سالارالدوله با عده ای در خاک رانکوه رسیده و از اینجا استعداد و سوار برای دستگیری خود او رفته اند. این راپورت سیم است که توسط قاصد فرستاده شد؛ تا زود است امر فرمایند از طرف گیلان استعداد و اسلحه فرستاده شود. عده اشرار دستگیر شده هم از سی نفر متجاوزند. اسدالله ۱۵ جوزا ۱۳۳۱ برابر با ۲۲ فوریه ۱۹۱۳ [س ش ۴۹۱۹۷ - ن]

[۲۳]

راپورت فردی به نام جلال الدین درباره محاصره ملایر توسط لرها

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

راپورت بروجرد که به توسط قاصد به ملایر فرستاده اند:

ابوالفتح میرزا سالار الدوله و عده‌ای از قوای همراهش [۱۳۵۶-۱۴]

شیرمحمدخان کونکده رضادان کونکده شیخ علی‌قلین کونکده طبر

علی‌قلین کونکده یکم کسیندانه خان کونکده حرمگدا و بیله



پنج شش روز است قریب دوسه هزار سوار و تفنگچی الوار اطراف شهر را محاصره چندین نفر از اهالی و زارعین را به اشکال و سیاستهای مختلف مقتول نموده‌اند. قریب سی نفر اسیر کرده‌اند، متجاوز از بیست نفر زن را بی سیرت کرده‌اند و دهات اطراف شهر را غارت و آب را به روی شهر بسته‌اند. به طوری برای اهالی سخت گرفته‌اند که مافوق آن متصور نیست. و اهالی به ستوه آمده تمام دکاکین را بسته و مردم به هیئت اجتماع با عموم اعیان و علما به دارالحکومه آمده پیشکار مالیه را مجبوراً حاضر و از بابت حقوق پس افتاده الوار که روزی یکصد و پنجاه تومان بوده چهار هزار تومان گرفته به الوار داده‌اند هر چند هنوز الوار دست از محاصره برنداشته‌اند. بازار بسته است و مردم مجتمع هستند ولی امید است به شرط پرداخت حقوق مقرر امنیت حاصل شود. جلال‌الدین - به تاریخ ۱۵ جوزا ۱۳۳۱ برابر با ۲۲ فوریه ۱۳۳۱

[س ش ۴۹۱۹۵ - ن]

[۲۴]

تلگراف و ثوق الدوله به وزیر مختار انگلیس درباره مخالفت افکار عمومی و مردم گیلان از انتصاب سالارالدوله به حکومت گیلان

سواد تلگراف وزارت خارجه به سفارت لندن ۱۰ مارس ۱۹۱۳ / برابر با اول ربیع‌الآخر ۱۳۳۱ در باب حکومت گیلان سالارالدوله، که اولیای دولت به حکم اضطرار قبول کردند، به علاوه سوء تاثیر در افکار عمومی و شکایت اهالی گیلان که انصراف از این تصمیم را با کمال سختی از اولیای دولت می‌خواهند اشکالات مهم دیگر نیز پیدا شده که اهم آنها ملاحظه مقام الاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه است. جناب عالی بعد از مخابره، با ممتازالسلطنه با سفیر روس و وزارت خارجه مذاکره و مفاد این ترتیب را خاطر نشان و ضمناً بدون اینکه از این مذاکره توهم نقض قولی از طرف اولیای دولت نمایند خواهش کنید که عجالاً موجبات اقناع او به مسافرت فرنگستان فراهم شود ولی به این شرط که وظیفه او اضافه و ضرر مالی هم بر دولت تحمیل شود [نشود]. منتظر اقدام و جواب هستم. (وثوق الدوله)^{۲۸}

[س ش ۱۳۰۱۴۱ - ق]

[۲۵]

**تلگراف و ثوق الدوله به سفارت لندن درباره تحریکات خارجی در تقویت سالارالدوله
و دستور مذاکره برای حل این معضل**

سواد تلگراف وزارت جلیله خارجه به سفارت لندن ۲۳ آوریل ۱۹۱۳ / برابر با ۱۶
جمادی الاول ۱۳۳۱

البته مسبق هستید که در ایالات جنوبی و بختیاری، با اهتمامات کافی دولت، تدریجاً آثار کامل مشهود می‌شود؛ ولی به مشهود در بعضی از نقاط شمالی دست تحریکات خارجی باز تولید انقلاب می‌نماید. مثلاً در استرآباد برای اینکه دولت مجبور به [...] از حکومت سالارالدوله در گیلان بشود در این چند روزه برای قوای سالارالدوله خیلی افزوده شده و بیم آن است که غائله بزرگی روی بدهد و دولت مجبور شود یا حکومت سالارالدوله را [بر] گیلان که مفاسد آن واضح و موجب تنفر اهالی گیلان و توجه اعتراضات سخت بر کابینه است تصدیق نماید؛ یا برای جلوگیری وجه مساعده که با این زحمات تحصیل شده به مصرف برسد و دولت از اصلاحات لازم ادارات باز ماند. لازم است این مطلب را به طوری که مقتضی است با جاهای لازم مذاکره و از وزارت خارجه خواهش کنید که زودتر در جلوگیری از نیات فاسده سالارالدوله اقدام کنند. منتظر جوابم. (و ثوق الدوله) [س ش ۱۳۰۱۵۹ - ق]

[۲۶]

**نامه و ثوق الدوله به سفارت ایران در لندن درباره نظر وزیرمختار انگلیس درخصوص
حکومت سالارالدوله در گیلان**

سواد تلگراف وزارت جلیله خارجه به سفارت لندن ۲۷ آوریل ۱۹۱۳ / برابر با ۲۰
جمادی الاول ۱۳۳۱

نمره ۱۱۵ اسباب تعجب بود؛ هیچ اطلاعی جز تکرار تلگراف پطرزبورغ، که مذاکرات معاون وزیر خارجه را با سفیرکبیر انگلیس به طهران اطلاع داده و مدلول آن نامساعد است، نرسیده. خود وزیرمختار شخصاً، با اینکه مضار حکومت رشت سالارالدوله را تصدیق دارد، در این موقع عدم ضدیت را به مصلحت نزدیک تر می‌داند. کلیتاً مفهوم تلگراف جناب عالی با اظهارات وزیرمختار و تلگرافهای پطرزبورغ منافی است. علامت مساعد بودن زمینه اینجا محسوس نمی‌شود. رفتار سفارت روس طوری است که تصور می‌شود تأخیر در تصمیم مورت اشکالات شود. اگر مایوس هستید که از

صمیم قلب انگلیس اقدام جدی در منصرف کردن روس از این خیال به عمل بیاید زودتر تلگراف کنید که اقل محروم اختیار شود. نمره ۶۳- (وثوق الدوله)
[س ش ۱۳۰۱۶۸ - ق]

[۲۷]

اعتراض سفیر ایران در لندن به وزارت خارجه به دلیل بی‌اطلاع گذاشتن وی از اوضاع جاری کشور

سواد تلگراف سفارت لندن به وزارت جلیله خارجه ۱۰ مه ۱۹۱۳/ برابر با ۳

جمادی‌الثانی ۱۳۳۱

وزارت خارجه می‌گوید به موجب تلگرافی که دیروز از وزیر مختار رسیده معاون وزارت خارجه به او گفته که سالارالدوله به واسطه شکست سختی که خورده است اظهار اطاعت به دولت نموده و مایل است که به او اجازه بدهند برود در یکی از املاک خود بماند و قرار شده است در کرج سالارالدوله با حضرت والا شهزاده عین‌الدوله ملاقات نماید که قرار این کار را بدهند. اگر این خبر صحیح باشد نمی‌دانم چرا به بنده تلگراف نفرمودند که در این وقت که مشغول مذاکره هستم از تمام مسائل کاملاً مطلع باشم؟ آخر مسئله استرآباد و قوچان به کجا رسید؟ دانستن این قبیل مسائل که اینجا رجوع برای مذاکره می‌شود لازم است. خبرنگار طهران روی طر [رویترا] مدتی است به کلی ساکت است. سابقاً در ضمن تلگرافات اشاره کردم جهت سکوت چیست؟ نمره ۱۳۶ (مهدی)
[س ش ۱۳۰۱۵۸ - ق]

[۲۸]

نامه علیقلی خان سردار اسعد به سفارت لندن جهت دستگیری سالارالدوله و تحویل آن به دولت ایران

سواد تلگراف وزارت جلیله خارجه به سفارت لندن ۴ ژوئن ۱۹۱۳/ برابر با ۲۸

جمادی‌الثانی ۱۳۳۱

مذاکره شارژدافر روس و جریان کار سالارالدوله را دیروز تلگراف کردم. وقایع اخیر این است: قشون سالارالدوله که در تنکابن بوده تماماً مقتول و دستگیر و متفرق شده. امیر اسعد در تعاقب سالارالدوله تا نزدیک لاهیجان آمده. سالارالدوله با نفر دیشب وارد

باغ صفای رشت شده به فاصله چند دقیقه به طرف طالش دولاب فرار کرده و دور نیست به طرف اردبیل برود یا اینکه، به طوری که مسموع می‌شود، با کشتی دوباره به خاک استرآباد مراجعت کند. چشمداشت اولیای دولت از اولیای دولت دوست و همجوار این است که بعد از این همه خسارت که سالارالدوله به مملکت وارد آورده با ایران اظهار همدردی کرده از عبور او به خاک روسیه ممانعت نمایند و اگر هم به‌طور مخفی به خاک روسیه وارد شود او را دستگیر نمایند که رفع شر او بشود. در این باب منتظر نتیجه مطلوبه اقدامات موثره جناب‌عالی هستیم. مدلول تلگراف را به [عرض] حضور والا حضرت برسانید نمره ۱۱۴ (علیقلی)^{۲۹} [س ش ۱۳۰۱۶۴-ق]

[۲۹]

تلگراف علیقلی خان سردار اسعد به سفارت لندن درباره تعدی مجدد سالارالدوله بعد از اظهار ندامت

سواد تلگراف وزارت جلیله خارجه به سفارت لندن ۲ ژوئن ۱۹۱۳ / برابر با ۲۶

جمادی‌الثانی ۱۳۳۱

به طوری که مسبوق هستید، بعد از آنکه سالارالدوله به توسط وزارت داخله اظهار اطاعت و تقاضا کرده بود که خانم والده ایشان تلگرافاً از ایشان میانجی کند که به مردآباد که شش فرسخی طهران و ملک خودش است بیاید. با این‌که این تلگراف مخابره شد سالارالدوله شرارت خود را تعاقب نموده از خاک استرآباد به مازندران حرکت کرده مبالغی عایدی گمرک و مالیات را تصرف کرده و حالیه از قرار اطلاعاتی که می‌رسد یک دسته از اتباع خود را از راه تنکابن روانه [کرده] که با استعداد حکومت آنجا الان در زد و خورد و محصور هستند. خود سالارالدوله هم از راه دریا به طرف رشت روانه [شده] و فعلاً در حوالی رودسر است. از طرف دولت چهار صد سوار بختیاری یا توپخانه به طرف مازندران فرستاده شده و ممانعت ورود ایشان به رشت به عمل آید. بریگاد قزاق (تعهد) کرده‌اند که اگر عده لازم بدانند با صد و پنجاه نفر قزاق ساخلوی رشت از طهران کاسته بفرستند. مدلول تلگراف را به عرض حضور والا حضرت اقدس برسانید. نمره ۱۶۰ - [س ش ۱۳۰۱۶۶-ق] (علیقلی)

۲۹. علیقلی خان سردار اسعد پسر سوم حسین قلیخان ایلخانی از تیره هفت‌لنگ بختیاری است و یکی از فنانجین تهران در زمان مشروطه. بعد از مشروطه چندین بار عهده‌دار پست‌های وزارت شد، و در سال ۱۳۳۶ درگذشت.



واحد توپخانه مجاهدین و فوج امنیه در جنگ با سالارالدوله در ایام مشروطه | ۸-۵۷۴

[۳۰]

مذاکرات علیقلی خان سردار اسعد با دولت روسیه جهت ایجاد
محدودیت برای سالارالدوله

استخراج تلگراف رمز در طهران

پنجشنبه ۵ ژوئن ۱۹۱۳ / برابر با ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۱

دیروز در باب فرار سالارالدوله تلگراف کردم. از قرار اخبار واصله فعلاً در فومن است. دولت در عزم خود دایر بر تعاقب او ثابت و عده کافی از بریگاد قزاق مأمور تعاقب او خواهد بود. فعلاً هم قزاقهای ساخلو رشت در تعاقب او حرکت کرده‌اند که خاتمه شرارت او داده شود. امروز در ملاقات با شارژدافر روس به ایشان اظهار کردم که در دستگیری و دفع سالارالدوله همراهی معنوی دولت روس لازم است زیرا همان‌طوری که از مازندران با همراهان خود با کشتی به گیلان آمد ممکن است همین که ملجأ شد دوباره با کشتی به بندر دیگری برود. مساعدتی که دولت علیه از روسیه چشمداشت دارد این است که یا او را از سفر با کشتی ممانعت کنند یا در آب و خاک روسیه او را دستگیر و به ایران تسلیم نمایند. شارژدافر وعده کرده به پترزبورغ تلگراف کرده از این نقطه نظر دولت تقویت کنند. حالا لازم است که جناب عالی هم در این زمینه با جدیت اقدامات فرموده نتیجه را هر چه زودتر اعلام بفرمایید مدلول تلگراف را به عرض حضور والا حضرت اقدس برسانید. پنجشنبه نمره ۷۷۸ (علیقلی) اس ش ۸۳۸-ق ۱

[۳۱]

نامه پالکونیک اوشاکوف به ریاست وزراء درباره حرکت اردوی جنگی به همدان
و لزوم پرداخت کرایه وسایط نقلیه‌ای که در اختیار اردو بود

ناج - شیر ایستاده - شمشیر

فرمانده بریگاد قزاق

اعلیحضرت قویشوکت اقدس همایونی

۲۳ رجب ۱۳۳۱ / برابر با ۲۸ ژوئن ۱۹۱۳ / نمره: ۱۵۰۳۲ طهران

مقام منبع ریاست الوزراء مدظله العالی

مقرر بود که به رئیس اردوی سیار قزاق تلگراف شود برای قلع و قمع سالارالدوله فوری به سمت کردستان حرکت نمایند. محض استحضار خاطر مبارک به عرض می‌رساند: اردوی سیار فوق یوم جمعه به همدان رسیده‌اند و در آنجا هم بلا توقف برای

انجام خدمت مرجوعه حرکت کرده خواهند رفت. از حضور مبارک متمنی هستیم مقرر فرمائید مبلغ پنج هزار و دویست و هشتاد تومان کرایه گاری و قاطر که برای سواری اردو برآورد شده است زودتر مرحمت فرمایید که این وجه کرایه را سلیم خان در همدان به ایشان برسانند و از این بابت معطلی حاصل ننموده فوری حرکت نمایند، و برات وجه کرایه مزبور هم به اداره منهبه تحویل داده شده است. نایب رئیس فرمانده بریگاد سواره قزاق اعلیحضرت قدرقدرت قوی شوکت اقدس همایون شاهی ارواحنا فداه پالکونیک اوشاکوف.

اس ش ۲-۵/۸۸۰

[۳۲]

نامه کاپیتان زاخارچینکوف به پالکونیک اوشاکوف رئیس بریگاد قزاق درباره همکاری

اهالی غرب ایران با اردوی دولتی

تاج - شیر و خورشید - شمشیر

اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایونی

۲۶ رجب ۱۳۳۱/ برابر با ۱ جولای ۱۹۱۳/ نمره: ۱۵۰۲۸/ طهران

سواد تلفون از همدان به طهران

رئیس فرمانده بریگاد قزاق پالکونیک اوشاکوف

محض همراهی حکومت تمام آذوقه و لوازمات برای اردو به قیمت ارزان خریداری شد. اسباب آشپزخانه و مریضخانه و تمام اسبابهای قزاقها بار قاطرهایی که روزی پنج قران کرایه کردیم نمودیم. امروز حرکت به سمت سنندج خواهیم نمود، ۲۹ هم وارد آنجا خواهیم شد. مریض سخت نداریم. ایلاتی که سه سال مالیات نداده بودند: کلیائی، مریوانی و غیره قول داده بودند به سالارالدوله ملحق شوند. وقتی که فهمیدند اردوی ما حرکت کرده است از همراهی با سالارالدوله بنای طفره زدن را گذاشته‌اند. اهالی همدان و رعایای ارض [عرض] راه تماماً استقبال مفصلی نمودند و توسط حکومت اظهار امتنان کرده و می‌گفتند که ما تصور می‌نمودیم از آمدن سالارالدوله به کلی اموال ما غارت خواهد شد ولی حالا با کمال آسودگی و اطمینان خاطر می‌توانیم زراعت خودمان را جمع‌آوری نماییم و این حرکت اردو اسباب قوت قلبی برای رعایا فراهم نموده است. رقمه با پست امروز رسید، ۲۴. رئیس اردوی قزاق کاپیتان زاخارچینکوف.

اس ش ۴-۵/۸۸۰

[۳۳]

نامهٔ دبیردیوان به ریاست بریگاد قزاق دربارهٔ شکست قشون سالارالدوله
و لزوم سرکوب اشراکلباغی

تاج - شیر و خورشید - شمشیر

مطبعه دولتی

ریاست وزراء

غره شعبان ۱۳۳۱/ برابر با ۶ جولای ۱۹۱۳/ طهران/ دبیردیوان

ریاست بریگاد قزاق

از قرار راپورتی که به هیئت وزراء رسیده، اردوی قزاق به تعاقب سالارالدوله به سمت ایل کلباغی رفته. از این ترتیب حرکت و حسن جریان اقدام اردوی قزاق در انجام مأموریت خودشان موافق دستورالعملی که از طرف ادارهٔ بریگاد قزاق به آنها داده شده خیلی مورد تمجید هیئت دولت گردیده و مخصوصاً لازم است که اظهار مهربانی هیئت دولت از طرف ادارهٔ بریگاد قزاق به عموم اردوی قزاق ابلاغ شود و ضمناً تعلیمات لازمه به آنها بدهند که به همین ترتیبی که سالارالدوله را تعقیب می نمایند تا هر جا که لازم بدانند جلو رفته، فرضاً هم سالارالدوله از آن صفحات رفته باشد در قلع و قمع اشراکلباغی [و] متمردین آن نقاط اقدامات لازمه نمایند و اگر هم لازم بدانند اردویی که از سمت گروس اعزام شده اطلاع دهند که به آنها ملحق شود و نیز لازم است که به اردوی قزاق در ضمن بسپارند که اگر وزارت جلیلهٔ داخله در این موقع نظریاتی داشته باشند و به اردوی مزبور اطلاع دهند در حالی از هذا السنه [هذه السنه] به دستورالعمل آن وزارت جلیله نیز عمل نمایند و همه اوقات از واقعات آنجا و سیر حرکت خودشان راپورت دهند. صحیح است.

[۳۴]

نامهٔ پالکونیک اوشاکوف به رئیس الوزراء دربارهٔ رسیدن قوای حکومتی به سنندج

تاج - شیر و خورشید - شمشیر

فرماندهٔ بریگاد قزاق

اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایونی

۲ شعبان ۱۳۳۱/ برابر با ۷ جولای ۱۹۱۳/ نمره: ۱۵۵۳/ طهران

حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم آقای رئیس الوزراء مدظله العالی

خ ۴۴ مرداد ۱۹۱۳



سلام بخ بابت لایحه مغفرت بستانه

بدرگاه سلطنتی در تهران
مستحقه بود ام که بابت آن باید که در این مورد در این مورد
ای روکت و حقوق مغفرت داده در این مورد حکم نظر دولت نامشانی در این مورد
مبارک است که در این مورد بابت داده که بخاریه که در این مورد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روز جمعه سلخ شهر رجب المرجب اردوی سیار قزاق وارد سندنج شده‌اند. اطلاعاً حضور مبارک حضرت مستطاب اجل اکرم افخم مدظله العالی به عرض می‌رساند نایب رئیس فرمانده بریگاد سواره قزاق اعلیحضرت قدر قدرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاه ارواحنا الفدا [ارواحتا فداه] پالکونیک اوشاکوف

[س ش ۶-۵/۸۸۰]

[۳۵]

نامه علاء السلطنه^{۳۰} به مستوفی الممالک^{۳۱} و وثوق الدوله^{۳۲} درباره تسلیم سالارالدوله به اردوی قزاق

از طهران به سفارت لندن ۲۲ ژوئیه ۱۹۱۳/ برابر با ۱۷ شعبان ۱۳۳۱

آقایان مستوفی الممالک و وثوق الدوله به طوری که دیروز با تلگراف به عرض والا حضرت اقدس رساند سالارالدوله به اردوی قزاق که مامور [...] و دستگیری او شده بودند ملتجی شد حال به موجب راپورتهای که از اداره قزاقخانه رسیده است مشارالیه به صاحب‌منصب روس فرمانده اردوی مزبور اظهار کرده که حمایت سفارت روس را می‌خواهد و برای اینکه نظر حضرات عالی در این باب معلوم شود این تلگراف شد ملاحظه و قضایا را به عرض والا حضرت اقدس رسانیده با نظریات خودتان فوراً تلگراف خواهید فرمود شاید در این باب از سفارت روس هم اظهاری به وزراء بشود. این تخلص در ضمن راپورت مختصر از اردوی قزاقخانه رسیده هنوز راپورت مفصل آن نرسیده چهارشنبه نمره ۲۱۱ (علاء السلطنه) سواد مطابق اصل است.

[س ش ۱۳۰۱۷۹-ق]

[۳۶]

نامه حسن مستوفی به ابوالقاسم خان نایب السلطنه درباره لزوم ماندن سالارالدوله در ایران و ترک نکردن تابعیت ایرانی از سوی وی

آرم هتل ماژستیک

مقام متبوع نیابت سلطنت عظمی دامت شوکت

۲۴ ژوئیه ۱۹۱۳/ برابر با ۱۹ شعبان ۱۳۳۱

۳۰. میرزا محمدعلی خان علاء السلطنه رئیس الوزراء ۳۱. میرزا حسن خان مستوفی الممالک وزیر جنگ

۳۲. میرزا حسن خان وثوق الدوله وزیر خارجه

امیدوارم به سلامتی و خوشی ورود فرموده باشید. تلگراف جوف راجع به سالارالدوله الساعه از لندن رسید و نظر به اینکه همیشه معتقد بوده‌ام که ایرانی از ایران نباید به کلی مایوس شود در این مورد هم گمان می‌کنم اگر ممکن شود تحت حمایت بودن او را رد کنند و حقوق مکفی داده در طهران تحت نظر دولت نگاهشان دارند. بهتر خواهد بود. دیگر بسته به امر مبارک است که از این قرار به طهران جواب داده شود. زیاده از سلامتی آن وجود محترم و اوامر مطاعه را منتظر است. حسن مستوفی
[س ش ۴۵۹۱-ق]

[۳۷]

نامه علیقلی خان سردار اسعد به سفارت لندن درباره فرار سالارالدوله

از طهران به سفارت لندن ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۳/ برابر با ۲۰ شعبان ۱۳۳۱
پناهنده شدن سالارالدوله را به اردوی قزاق خیر داد. حالا خبر رسید به اسم اینکه به چادر آدمهای خود رفته تا یک ساعت مراجعت نماید، رئیس اردو را اغفال و فرار کرده. گویا متوجه کردستان و کرمانشاهان شده باشد. پنج‌شنبه نمره ۳۱۶ (علیقلی)
[س ش ۱۳۰۱۷۳-ق]

[۳۸]

تلگراف زاخارچینکف درباره شکست قشون سالارالدوله در منطقه کلباغی

زاخارچینکف تلگراف می‌نماید

۲۴ شعبان ۱۳۳۱/ برابر با ۲۹ جولای ۱۹۱۳
سالار در میان طایفه مریوان است و جاسوسها او را از نظر محو نمی‌نمایند. یک نفر مأمور برای جمع‌آوری مالیات به کردستان آمد ولی رؤسای ایل کلباغی با اینکه من حکم کردم تمکین نمودند. در شب نهم ایول (۱۷ شعبان) با اردو به سمت آنها حرکت نمودم. همین‌که به تیررس رسیدم از طرف آنها بدو تیراندازی شده و جنگ شروع شد. از ایل کلباغی پنجاه و سه نفر در همان جنگ مقطعی کشته [شدند و] مابقی فرار کردند و عده زخمی آنها معلوم نیست و در این جنگ یعقوب نام که سمت ریاست به یکی از طوایف ایل مزبور را داشت مقتول شد. از طرف فقط دو اسب زخمی شده است. ایل کلباغی استدعای عفو نمودند؛ قول دادند که مالیات خودشان را بپردازند. اهالی اردو تماماً سلامت هستند این شکستی که از طرف اردو به ایل معظم کلباغی داده شد اسباب

امیدواری و اطمینان قلب قزاقها شده و نیز این فتح اسباب احترام اردو در انظار اهالی گردیده است. دهم ایول، کاپیتان زاخار چینکف [س ش ۱۳-۱۵/۸۸۰]

[۳۹]

نامه‌ای از هیئت دولت به ریاست بریگاد قزاق درباره تعقیب لحظه به لحظه قشون سالارالدوله

تاج - شیر و خورشید - شمشیر
مطبعه دولتی
ریاست وزراء

۲۹ شعبان ۱۳۳۱ / برابر با ۳ آگوست ۱۹۱۳ / ارسال در ساعت ۱۲ شب / طهران
ریاست بریگاد قزاق

عمده مقصود دولت از اعزام اردوی قزاق برای جلوگیری و دستگیری سالارالدوله این بوده که اردوی مزبور سیار باشد و در همه جا سالارالدوله را تعقیب نماید که نتواند در محلی توقف نموده و جمعیت و استعدادی برای خود تهیه کند. با اینکه فعلاً معلوم است که سالارالدوله در چه نقطه توقف دارد و به طوری که راپورت داده‌اند مشغول تهیه استعداد و جمع‌آوری جمعیت است و البته اردوی قزاق کاملاً می‌دانند سبب اینکه او را تعقیب نمی‌کنند چیست. البته به فوریت به اردوی قزاق امر نمایند که سالارالدوله را متصلاً تعقیب نموده و نگذارند که جمعیت و استعدادی برای خودش تهیه نماید و از حرکت اردو و اقدامی که در جلوگیری و تعقیب سالارالدوله می‌نماید در هر موقع راپورت بدهند هیئت دولت انتظار دارند که نتیجه اقدامات خودتان را در تعلیمات به اردوی قزاق هر چه زودتر اطلاع دهید. [س ش ۷-۱۵/۸۸۰]

[۴۰]

دستور احمدشاه به رئیس‌الوزراء درباره تخلیه قصر عشرت‌آباد توسط خانواده سالارالدوله و ظهیرالدوله و تعمیر آن جهت اقامت شاه

طهران

سلطان احمدشاه

شب ۱۱ ذیحجه الحرام ۱۳۳۲ / برابر با ۳۱ اکتبر ۱۹۱۴ / فوری
جناب اشرف رئیس‌الوزراء

طهران
سلطان احمد شاه
شب شنبه و پنجشنبه
۱۳۳۲

فدوسر

جناب اشرف پسر الوزرا

بعضی واصل این دستخط باید در حال فریست خانواده پسران در دولت
و غیر دولت در روز طلوع برسد که تا پنج روز که قصر عشرت آباد است
نمایند و در آن نمایندگی جای فرستادگی سکونت آنها در شهر
تیره و گریه نمایند که بعد از صد روز عشرت آباد و غیر آن شهری عشرت
و تجیر کنند و چه گریه آن مردم معذور فرودم از دربار عظم
تادیه نمایند معذورین است که تکیه قصر عشرت آباد را
برون قبول غدر تا پنج روز دیگر در رض جناب اشرف بخوانم
و خیال دارم بعد از روز دیگر از قصر سلطنت که با برادرش
شاه دست تحت نظر خود آن قیامت آنها را بفرمایم عرض
موضن تا که معذورم دارم که اگر در تکیه این طرفه و استغنا
باید نهایت جدیت روزه بگیرم که در روزه ما بهر آرزوی



دستور احمدشاه به رئیس الوزرا درباره نخلیه قصر عشرت آباد توسط خانواده سالارالدوله [۲۳۴۸۴-۵]

به محض وصول این دستخط باید در کمال فوریت خانواده سالارالدوله و ظهیرالدوله را اطلاع بدهید که تا پنج روز دیگر قصر عشرت‌آباد را تخلیه نمایند، و قدغن نمایند جای مناسبی برای سکونت آنها در شهر تهیه و کرایه نمایند که بلافاصله از عشرت‌آباد به منزل شهری نقل و تحویل کنند. وجه کرایه آن را هم مقرر فرمودیم از دربار اعظم تأدیه نمایند. مقصود این است که تخلیه قصر عشرت‌آباد را بدون قبول عذر تا پنج روز دیگر از شخص جناب اشرف می‌خواهیم و خیال داریم چند روز دیگر از قصر سلطنت‌آباد به آنجا تشریف‌فرما شویم، در تحت نظر خودمان تعمیرات آنجا را بفرماییم. مخصوصاً محض تأکید مقرر می‌داریم که اگر در تخلیه آنجا ظفره و تعلل نمایند باید نهایت جدیت را در اجرای امر و اراده ما به عمل آورید. صحیح است.

[س ش ۴۳۴۸۴-ن]

[۴۱]

نامه میرزاده عشقی به هیئت وزراء درباره لغو حکم مجلس برای دستگیری شعاع السلطنه

مقام منبع و موقع رفیع هیئت وزراء عظام دامت عظمتهم اعظمتهم

۱۴ رجب ۱۳۳۳/ برابر با ۲۸ مه ۱۹۱۵/ نمره: ۸۳۱/ ورود به کابینه ریاست وزراء

در دوره گذشته مجلس مقدس دارالشوری ملی شیدالله ارکانه اعلانی مشعر بر اینک: «هر آنکس شاهزاده محمدعلی میرزای شاه مخلوع و یا سالارالدوله و شاهنشاهزاده معظم شعاع‌السلطنه را مقتول نماید طرف درک مبلغی معین از طرف خزانه دولتی ایران خواهد بود.» از ناحیه خود تعمیم نموده شک نیست که این اعلان به مناسبت پیشامدهای آن اوان و به مقتضیات همان زمان و به ملاحظاتی واقعات آن داستان بوده و اینک موردی نخواهد داشت.

این است که این هیچ نیرزنده، همچنانکه هفته رفته، به مقام مقدس دارالشورای ملی شیدالله ارکانه به وسیله تقدیم مشروح فرصت داشته‌ام، با مقام منبع و هیئت عظام نیز از نقطه نظر دولت دوستی و ملت پرستی و خیر نوع‌خواهی پیشنهاداً معروض می‌دارد:

«اینک که حضرت اقدس والا شاهنشاهزاده معظم آقای شعاع‌السلطنه طرف مهمانی رانی اعلیحضرت همایونی و مجاز در وارد شدن به طهران شده‌اند (و از آنجا که هر قانونی که از طرف دارالشورای ملی وضع گردد همیشه صورت قانونیت خواهد داشت تا مادامی که از همان ناحیه نقض نگردیده باشد) بسی مناسب است که در اسرع مایکون پیش از آنکه خدای ناخواسته در همین ایام اسباب زحمتی در مقابل دولت و ملت پیش آید اقدامی در الغاء آن قانون که اکنون موضوع و فلسفه‌اش از بین رفته بشود که

۸۴۱
وزارت عدالت
تاسیس ۱۳۰۴

۱۳۳۳
۱۴ شهریور

بسم الله الرحمن الرحيم
تاریخ پنجشنبه بیست و نهم شهریور سال ۱۳۳۳
مجلس شورای ملی
در جلسه روز پنجشنبه بیست و نهم شهریور سال ۱۳۳۳
مجلس شورای ملی
موضوع: درخواست تعیین تکلیف اراضی دولتی
محل: اراضی دولتی واقع در محله ...
مقرر شد: ...
اینک که در این مورد ...
در این خصوص ...
در این باره ...
در این جهت ...
در این جهت ...

رئیس جلسه: ...
نویسنده: ...

نامه میرزاده عشقی به هیئت وزرا درباره لغو حکم مجلس برای دستگیری شعاع السلطنه | ۳۵۲۰۲-ن

تا یک تکلیفی مبهم که عجالاً آحاد و افراد ملت ایران در مقابل والاحضرت ایشان دارند قطعی گردد.
 منتظر و متوقع است که از طرف آن موقع رفیع و هیئت عظام یک توجه مفراطی در این مسئله فرموده گردد. میرزاده عشقی
 اس ش ۳۵۲۰۲-ن

[۴۲]

نامه فتح الله اکبر^{۳۳} به هیئت وزراء درباره پرداخت مخارج خانواده سالارالدوله

وزارت مالیه اداره محاسبات ملکی تاج - شیر ایستاده - شمشر
 شماره ۴۵۰۹۹ خیلی فوری است / ۲۲ حوت ۱۲۹۷ / برابر با ۲۸ مه ۱۹۱۵
 مقام منبع هیئت وزراء عظام دامت شوکتهم
 سفارت انگلیس از وزارت مالیه تقاضا کرده شصت و یک هزار و هفتصد و شصت منات که نظامیان انگلیس در بادکوبه به مصرف عودت مادر شاهزاده سالارالدوله رسانیده‌اند و بانک شاهنشاهی به پول منات نیکلایی به بادکوبه خواهد فرستاد به پول قران که معادل مبلغ بیست و سه هزار و یکصد هشتاد قران و پانصد دینار است تبدیل و از صندوق خزانه پرداخته شود. مستدعی است تصویبنامه مبلغ فوق‌الذکر را به وزارت مالیه ارسال فرمایند. امضاء: فتح‌الله اکبر.
 (حاشیه): در جلسه ۲۲ حوت جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ تصویب شد. [س ش ۱۱۳۲-۱۷۶۸]

[۴۳]

نامه سالارمظفر نماینده سالارالدوله در همدان به رئیس‌الوزراء درباره املاک سالارالدوله در لرستان

شماره ۲۹۸۸ / ورود به کابینه ۱۳۰۴ / ۳ / ۱۱ / ۲۷ شوال ۱۳۴۳
 مقام منبع مقدس حضرت اشرف آقای ریاست وزراء روحیفدا [ه]
 تصدق آستان مبارکت گردم
 حضرت والا سالارالدوله علاقجاتی در خرم‌آباد لرستان دارند. این مدت به واسطه

۳۳. فتح‌الله اکبر وزیر پست و تلگراف

تغیان [طغیان] اشرار و هرج و مرج آن صفحه ممکن نبود کسی بتواند به آنجاها عبور نماید. حالیه که از تصدق وجود مقدس مبارک، صفحه لرستان گلستان گشته از عدالت انوشیروانی تمنا و درخواست دارم بذل مرحمت فرموده دستخطی به امارت لشکر غرب امر فرمایند مساعدت در امورات حضرت والا سالارالدوله بفرمایند؛ شاید از تصدق وجود مبارک بتوانم املاک لرستان که در حدود خرم آباد است تصرف و آباد نمایم. کمکی به معاش خوانواده [خانواده] حضرت والا سالارالدوله بشود که از پریشانی و استیصال قدری آسوده شده دوعاگو [دعاگو] باشند. فدوی آستان مبارک، حسن خزائلی سالارمظفر نماینده سالارالدوله در همدان به انتظار زیارت دستخط و امر مبارک هستم. زیاده قدرت جسارت نیست.

[س ش ۱-۱۵۴/۵]

[۴۴]

نامه رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی به رئیس الوزراء درباره مواجب سالارالدوله

تاج

دفتر مخصوص شاهنشاهی

فوری محرمانه/نمره ۱۳۱۲/۳/۲/۳۴۸ برابر با ۲۸ محرم ۱۳۵۲

ریاست جلیله وزراء دامت شوکت

در تعقیب نمره (۳۴۱) حسب الامر مطاع مبارک ملوکانه ارواحنا فداء ابلاغ می نماید که راجع به مقرری سالارالدوله اگر قبلاً مطلب به عرض رسیده بود مقرر می فرمودند که از امسال مقطوع شود ولی حالا دیگر موقع گذشته است. قدغن فرمایید به سفارت انگلیس جواب بدهند که امسال فقط شش ماه از مقرری معمول را دولت خواهد پرداخت و بعد داده نخواهد شد. البته علتی هم برای عدم پرداخت باید تعیین نماید. رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی.

حاشیه: به وزارت امور خارجه ابلاغ شود.

حاشیه: ورود به کابینه ۱۳۱۲/۳/۲

نمره ۱۴۴۳

[س ش ۱۵-۶۰۲-۳]

[۴۵]

جوابیه عبدالحمید ملک‌الکلامی^{۳۴} به وزارت خارجه درباره قطع مقرری سالارالدوله

تاج - شیر و خورشید - شمشیر

کابینه ریاست وزراء

وزارت جلیله امور خارجه

نمره عمومی ۱۴۴۳/ تاریخ ثبت ۱۲/۳/۲ برابر با ۲۸ محرم ۱۳۵۲

در خصوص به مقرری سالارالدوله حسب الامر اقدس ملوکانه ارواحنافداه مقرر است که اگر قبلاً مطلب به عرض رسیده بود امر به قطع شدن آن از امسال را می فرمودند و چون حالا موقع گذشته است به سفارت انگلیس باید جواب داد که امسال فقط شش ماه از مقرری معمول را دولت می پردازد و بعد داده نمی شود و البته علتی هم باید برای عدم پرداخت معین کرد. عبدالحمید ملک‌الکلامی در حاشیه: فوری از وزارت مالیه تحقیق شود که علاقه سالارالدوله در ایران چیست چه املاک دارد. [س ش ۱۶-۶۰۲-۳]

[۴۶]

مصوبه هیئت وزراء درباره پرداخت مخارج معاودت سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

هیئت وزراء

نمره ۵۰۱۳/ به تاریخ ۳۰ حوت ۱۳۳۷/ برابر با ۱۱ رمضان ۱۳۷۸

در تعقیب مراسله نمره (۴۵۰۹۹) وزارت مالیه راجع به مخارج معاودت شاهزاده سالارالدوله هیئت وزراء عظام در جلسه ۲۲ حوت ۱۲۹۷ تصویب فرمودند مبلغ دو هزار و سیصد و هفده تومان و پانصد دینار که معادل قیمت ۷۶۰ راع پول منات نیکلایی است به وسیله بانک شاهنشاهی تأدیه می شود.

امضا: ۳۵ نصیرالدوله، وثوقالدوله، فتح‌الله، مهدیقلی، دبیرالملک، مشارالملک

[س ش ۱۱۰۷-۱۷۶۸]

۳۴. عبدالحمید ملک‌الکلامی خوشنویس

۳۵. میرزا احمدخان نصیرالدوله وزیر معارف و اوقاف، میرزا حسن خان وثوقالدوله رئیس الوزراء، فتح‌الله اکبر وزیر جنگ، مهدیقلی مخبر السلطنه وزیر مالیه، میرزا حسن خان دبیرالملک وزیر فواید عامه، میرزا حسن خان مشارالملک وزیر مشاور.

[۴۷]

نامه مؤیدالاسلام به سردار سپه درباره مسئله خوزستان و سالارالدوله

جبل‌المتین

۱-۶ مکلود استریت/کلکته ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۳/برابر با ۲۰ اکتبر ۱۹۲۴/نمره: ۵۰۵
حضرت اشرف آقای سردار سپه رئیس الوزراء و فرمانده کل قوای دولت علیه ایران
مدظله العالی افوض امری الی الله.

ممکن است که از خارج و داخل برای صلح در مسئله خوزستان به حضرت متوسل
آیند. اگرچه من از موقع دورم و نمی‌توانم مصلحت وقت تعیین کنم ولی آنچه از قرائن
داخله و خارجه به دست آورده‌ام با سردار اقدس جز عده ای از بختیاریان شامل نیست
و قوایشان هم خیلی محدود است و استعداد جنگی نیز ندارند. شیوخ عرب باطناً
مخالف با شیخ محمره‌اند. دولت باید اعلان عفو قصور اینها را بدهد؛ ولی شیخ محمره
را نباید به جای خود گذارد و در صورتی هم که دولت به جهاتی که ما نمی‌دانیم
مجبوریتی ملاحظه نماید خوب است شیخ را معزول و یکی از پسرهای او را با اختیارات
و اقتدارات محدود و مختصر موقتاً به جای شیخ برگمارند. در این موقع دولت نباید از
تهدیدات سیاسی خارجی از مقصود خود دست بکشد؛ حتی نباید از ترک تعلقات
سیاسی یک همسایه موقتاً بترسد؛ چه، این قطع تعلقات چند روزه است. همسایه ما در
عدم جلوگیری از سالارالدوله مورد ایراد است و یقین است که دولت هم پروتست به
همسایه (ناخوانا) نموده باشد. سالارالدوله در هیچ نقطه ایران خصوصاً در جنوب دارای
نفوذ کلمه نیست بلکه آمدنش به محمره واقعاً با شیخ به نفرت اهالی خیلی افزوده است.
در این موقع نمی‌بایست از مصارف دولت هم ترسید؛ چه، پس از موفقیت چندین برابر
همان مصارف سالانه عاید دولت خواهد گردید. مسئله خوزستان اهم مسائل حیاتی
ایران است که انشاءالله تعالی پس از موفقیت حضرت اشرف هیچ‌گونه رادع و مانعی در
کلیه ایران برای تمرکز دولت پیش نخواهد آمد. خدمات وطنیه را خواهانم. جلال‌الدین
مؤیدالاسلام^{۳۶}
[س ش ۲۳ و ۳۱۵۲۲-ن]

۳۶. جلال‌الدین مؤیدالاسلام مدیر روزنامه جبل‌المتین.

[۴۸]

نامه کاپیتان زاخارچینکف به پالکونیک اوشاکوف درباره رفتن سالارالدوله به کرمانشاهان
خدمت پادپالکونیک اوشاکوف

۱۳ شعبان

پنجم ایلول سالارالدوله از من اجازه خواست یکروزه رفته خداحافظی از سوارهای خودش نماید و قول داد که در همان روز مراجعت نماید ولی مراجعت ننموده به ملاحظه کسالت، سی‌چو دکتروسی را پیش او فرستادم و دکتروسی هم تقاضای او را تصدیق نمود روز بعد از سالارالدوله کاغذی رسید که در آن کاغذ نوشته بود که می‌روم به کرمانشاهان برای تحصیل خوش‌بختی. کاپیتان زاخارچینکف اس ش ۱۰-۱۵/۸۸۰

سواد تلگراف طهران

نمره ۱۴ ملاحظه مذاکراتی که اخیراً راجع سالارالدوله شده این است که وزیر مختار پطر به دولت پیشنهاد کرد که برای ختم مسئله، حکومت سالارالدوله قبول شود ولی خود او در خارجه باشد و نایب‌الحکومه او با تصدیق دولت معین و در رشت باشد. این ترتیب را دولت قبول نکرده جواب داد که حکومت اسمی او هم با وجود اقدامات آخری او اثرات خوب ندارد. معلوم می‌شود وزیرمختار قبل از رسیدن جواب طهران در همین زمینه هم با وزارتخارجه روس مذاکره کرده؛ زیرا که از سفارت روس هم در طهران همین‌طور گفتند، جواب رد داده شد. بالاخره شارژدافر روس مذاکراتی برای ختم مسئله کرد. اظهارات او را هیئت وزراء در تحت ملاحظه آورده به این ترتیب موافقت دارند که یک عده قزاق ایرانی از طهران به رشت فرستاده شود. بعد از رسیدن آنها روسها قشون خود را از رشت و قزوین ببرند و سالارالدوله را هم با این تعهد که دیگر از حدود روس به ایران نخواهد آمد خارج نمایند. آن وقت دولت تقبل می‌کند که یک دتاچمنت^{۳۷} (قزاق مخصوص رشت در همان جا تشکیل شود. این ترتیب با اینکه مستلزم تکثیر عده قشون است ولی دولت برای انجام این مسئله تا این اندازه هم حاضر مساعدت با روسها شده است. شارژدافر با این ترتیب همراه و به پطرزبورغ تلگراف کرد جواب او نرسیده ولی وزیرمختار پطرزبورغ می‌گوید (عجالتاً) حسن استقبال نکرده‌اند. حالا پیشنهاد مرا که بالعکس کرده‌اند نمی‌دانم کدام یک از این دو باشد. خوب است قبل از اینکه رسماً به دولت علیه اطلاع بدهند سعی کنید بلکه بدانید چه ترتیبی را پیشنهاد و اطلاع بدهد که دولت قبل از وقت مطالعه خود را بکند. امضا و وثوق‌الدوله

اس ش ۱۵۷-۱۳۰-ق

۳۷. یکان: فوج؛ گروهان

[۴۹]

تقاضا از سردار اسعد برای تشکر از برخی سران و عشایر غرب ایران به خاطر همکاری نکردن با سالارالدوله

مقام منبع مقدس حضرت اشرف آقای سردار اسعد دام‌الظله [ظله‌العالی

چون صدور دو فقره دستخط تلگرافی ذیل از مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء و مقام مقدس هیئت وزراء عظام برای نظرعلی خان سردار اکرم و آقاریبعا و میرزا رحیم بیگلربیگی که فعلاً نایب‌الحکومه خرم‌آباد است، فرمودید خاطر مقدس مبارک را متذکر و یادآور بشود لذا جسارت شده دستخط مبارک تلگرافی به افتخار نظرعلی خان متضمن مرحمت و مساعدت به امید عنایت و از حیث آنکه با سالارالدوله همراهی نکرده مورد تحسین و تمجید دولت قوی شوکت و وزراء عظام واقع گردیده و چون امان‌الله خان پسر والی پشتکوه که سالارالدوله او را سردار جنگ خطاب می‌کند با نظرعلی خان سردار اکرم متحد و متفق هستند و او پیشتر نظرعلی خان را در مساعدت با سالارالدوله منصرف داشته در ضمن دستخط تلگرافی اظهار مرحمت و شفقتی به او بشود بی‌نتیجه نخواهد بود. فقره ثانی دستخط مبارک به افتخار آقاریبعا و میرزا رحیم بیگلربیگی مبنی بر مرحمت و التفات و اینکه عرایض و مستدعیات شما به توسط صارم‌الممالک به عرض رسد؛ و توصیه شما را کاملاً نمود سفارشات لازمه به آقای سردار سعید حاکم بروجرد و لرستان شد. البته پس از ورود به مقر حکمرانی مستدعیات و مقاصد شما را انجام خواهند داد و چون شما را صدیق و خدمتگزار شناخته و دانسته است تأکید می‌شود در انتظام و امنیت شهر و توابع نهایت مراقبت را معمول داشته و هر کس را شما حاضر خدمت بدانید و قول و اطمینان بدهید مورد مرحمت و توجه اولیای امور خواهد بود و توپخانه و قورخانه که در آنجا است تلف نشود که مسئولیت آن به عهده شماست. [س ش ۱۳۰-۱۳۷۲/۱]

[۵۰]

دستور شاه به رئیس‌الوزراء دربارهٔ پرداخت مواجب عقب‌افتادهٔ سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ریاست وزراء

استخراج رمز پاریس ۱۰ اوت

جناب اشرف رئیس‌الوزراء سالارالدوله را در مسافرت سویس ملاقات کردم؛

ترتیب معیشت او مختل و خیلی بد بود و مدتی هم هست مختصر شهریه ای که از دولت دارند نرسیده؛ وعده کردم که در این باب مساعدت دولت را جلب نمایم. چون حقوق او مبلغ مهمی نیست برای حفظ آبروی دولت می‌خواهم هر چه زودتر قرار ایصال عقب‌افتاده ایشان را داده برای خودشان بفرستید و نتیجه اقدامات خودتان را اطلاع بدهید. شاه
[س ش ۵۵۲۶۶-ن]

[۵۱]

گزارشی درباره درگیریهای لرستان از زمان حرکت سالارالدوله

راپورت بروجرد
به تاریخ ۱۸ میزان
از روز حرکت سالارالدوله به سمت لرستان دیگر خبر صحیح نرسیده است. شیخعلی خان و علی‌مردان پیرانوند با خسروخان دهکردی همقسم شده که به کسان و دهات سالارافخم نایب‌الحکومه تاخت آورده [به] شهر و اطراف حمله نمایند. سالارافخم هم برای دفاع حاضر شده بقیه فوج را از سرزند احتضار و به سالاراکرم و منصورالسلطان یاراحمدی اطلاع داده جمعیت خود را جمع و حاضر کنند. امروز هم در مسجد شاه مکتوبی خواندند که امیرافخم با سرداران اردوی منصور نزاع و جنگ نمود. مرتضی‌قلی خان و مسیو یفرم را دستگیر نموده است شهر منقلب و مردم مضطرب هستند. جلال‌الدین - یک ساعت و نیم از شب ۱۹ میزان.

[س ش ۴۲۷۱۴-ن]

[۵۲]

نامه خسروخان سردار ظفر به رئیس الوزراء درباره اتحاد و کمک کردن به هم در برابر قشون سالارالدوله

مقام حضرت اشرف آقای رئیس وزراء دامت شوکه اشوکه

قم

منتظر ورود آقای سردار جنگ^{۳۸} و مرتضی‌قلی^{۳۹} خان هستم. در این‌که سالارالدوله از راه نوران حرکت نموده حرفی نیست. امروز پیشقراول اردو ساوه می‌فرستم. وقتی که آقای سردار جنگ و اردوی کاشان رسید باید بیکار نمانم و خودم را به کمک سالارین و مسیو یفرم خان برسانم. باید خودمان به این امر اقدام نماییم یا منتظر دستورالعمل از

۳۹. مرتضی‌قلی خان صمصام بختیاری

۳۸. نصیرخان سردار جنگ

طهران باشیم. خوب است اهل سوار نزدیک هم باشند. به دستگیری یکدیگر کار نکنند [کنند؟] امیدوارم این که اردوی خودمان به یک فرسخی یکدیگر رسیدند دمار از روزگار سالارالدوله و اشرار برآوریم. منتظر جواب هستم. خسرو - شب ۲۵ رمضان [س ش ۴۸۸۲۵-ن]

[۵۳]

اخبار داخله در خصوص سالارالدوله در ۱۴ جوزا

۱۴ جوزا اودنیل

لاهیجان: نیم ساعت به غروب، سالارالدوله با قریب پنجاه نفر همراهان وارد لاهیجان شده خانه حاجی امین دیوان منزل نمود. از قرار مذکور فردا به طرف رشت حرکت خواهد کرد. مهدیقلی

لاهیجان: دو ساعت و نیم به ظهر سالارالدوله با جمعیت خودشان به طرف رشت حرکت کرد. از قرار مذکور دو روز هم در عرض راه توقف خواهند کرد ولی صدیق الممالک مقدماً به رشت خواهد رسید. مهدیقلی

رشت: سالارالدوله دیشب اول شب با سی و سه نفر همراهان وارد رشت و باغ صفا شدند. به فاصله چند دقیقه حرکت و به طالش دولاب رفته است. اغلب آدمهای او متفرق شده‌اند. مردم آسوده و راحت شدند. مفتاح‌الملک دیروز بعد از ادای تبریک از قونسول انگلیس بلافاصله به شهرداری عثمانی رفته. هنوز آنجا هستند. جلیل

[۵۴]

اخبار واصله در ۱۷ ثور، اودنیل از استرآباد، فیروزکوه، سمنان درباره سالارالدوله

۱۷ ثور، اودنیل

استرآباد: به واسطه سانسوری که در تلگرافخانه ساری گذاشته‌اند می‌گویند نمی‌توانیم راپورت را نوشته بدهیم، و شبها هم همین قدر که یک ساعت از شب می‌گذرد تلگرافخانه را مقفل نموده اجزا را نمی‌گذارند که در تلگرافخانه بمانند. از قراری که می‌گویند اداره مالیه و پستخانه و تلگرافخانه را از فرش و میز و صندلی و امانات مردم هر چه بوده بردند و دو سه خانه را هم غارت کردند و بعضی از سرکرده‌های مازندرانی شب دویم ورود اتباع سالارالدوله از شهر خارج شده با فروش منزل آگنظ^۴ متحصن شدند.

یمین الممالک حاکم هم می‌خواست امروز حرکت نماید؛ مانع شدند. می‌گویند باید بمانید تا سالارالدوله وارد شود. اگنظ روس بارفروش برای اموالی که از منزل مسیو اسپنسلا رئیس مالیه ساری برده‌اند از قهارخان و مهدی‌شاه مطالبه می‌نمایند.

محمد مهدی

فیروزکوه: از مازندران خبرهای موحش به تواتر رسید که سالارالدوله با سوار زیاد که مرکب از تراکمه و استرآبادی از استرآباد به طرف مازندران آمده و پیشقراولان او که رئیس‌شان مهدی‌شاه نام فندرسکی است با امیرمؤید یکی دو جنگ مختصر نمود و به ساری وارد شده و امیرمؤید با پسرها و عده کمی از سوار به شیرگاه آمده است. از قرار گفته عابرین سرکردگان مازندرانی از همراهی با امیرمؤید دست کشیده متفرق شده‌اند.

الله‌قلی

سمنان: حکومت آقاخان رشیدنظام را با سوار سنگسری برای جلوگیری سارقین فارس فرستاده بود؛ پس از چند ساعت جنگ رشیدنظام و غلامرضا آدم حکومت مقتول و یک نفر مجروح و شکست خورده مراجعت نمودند. امروز جنازه رشیدنظام را وارد کردند. وقوع این قضیه با اخباراتی که مبنی بر شکست امیرمؤید و به تصرف آمدن ساری به دست اتباع سالارالدوله می‌رسد موجب وحشت و اضطراب اهالی شده است.

والی‌زاده

استرآباد: امیراعظم به واسطه حضوری دیشب با سمنان و خیر آمدن سارقین فارس و کشته شدن رشیدنظام امروز صبح زود از هزار جریب به طرف دامغان و سمنان رفته‌اند. قونسول روس هم با سالاراکرم و غیره تا ظاهرشهر مشایعت کردند؛ و معلوم نیست در غیبت خودشان دستوری برای امورات اینجا به کسی داده باشند و نیز از تلگرافخانه ساری جو یا شدیم؛ می‌گویند اتباع سالارالدوله مشغول گرفتن مالیات از بعضی دهات هستند و سرکرده‌هایی که از ساری فراراً به بارفروش رفته‌اند در منزل اگنظ روس بارفروش متحصن شده‌اند و همچنین از بندرجز آمده‌اند. سالارالدوله دیشب در گلوگاه توقف داشته و تلگرافی هم در باب مخابرات تلگرافخانه ساری به قهارخان و مهدی‌شاه نموده و این است: سالار اشجع و میرمهدی خان امیرینجه رئیس تلگرافخانه هم قدغن می‌شوند به هیچ‌وجه تلگراف به جهت طهران از هیچ کس قبول نکنند؛ فقط تا استرآباد ن‌هم خارجه را. باید مأمور باسواد و عاقلی در تلگرافخانه مقیم شود. یقین داریم رئیس تلگرافخانه کاملاً اطلاع دارد که ما راپورت ادارات طهران را همه وقت دیده و می‌بینیم. هر وقت به عرض برسد که آنها خیانت کرده و تلگرافی به طهران کرده فردا کشته شده خواهند شد. عذر و شفاعت هر کس در نزد ما پذیرفته نخواهد شد.

سالارالدوله محمد مهدی

[۵۵]

خبر واصله از استرآباد در ۳۰ اودنیل

۳۰ ثور اودنیل

استرآباد: محرمانه - سالارالدوله محتمل است که عده ای را در ساری بگذارد خودش به سمت استرآباد بیاید: و تلگرافی هم به امیر توپخانه کرده است؛ سنوال و جواب آن را عیناً عرض می‌کند: «ساری به استرآباد - جناب مستطاب اجل امیر توپخانه چون بعد از تسخیر مملکت مازندران لازم بود برای اسکات و رفع و جلب قلوب اهالی این مملکت خودمان به سرعت بیایم بحمدالله تعالی طوری ودایع الهی را آسوده و مملکت منظم نموده‌ایم که خاطر ما از این طرف آسوده شده. لازم است به ترتیب آن طرفها و آسودگی اهالی آن مملکت به پردازیم. با سابقه علم و اطلاع به حال این مملکت بهتر از جناب عالی در قوه کسی نیست؛ خوب است جناب عالی در مملکت استرآباد مانده کماکان حکومت آن مملکت را اداره نموده خاطر اقدس ما را از این رهگذر آسوده نمایید. منتظر جواب فوری هستم» سالارالدوله. جواب: «حضور مبارک حضرت اقدس اسعد والا دامت شوکه [شوکت] والا دستخط مبارک که مژده آسایش و ملاحظه رعایت حال ضعفا و فقرا ودایع الهیه مرقوم شده بود کمال تشکر حاصل گردید زیرا که بقای عزت و شرف در هر خانواده حتی برای اولیاءالله از ملاحظه و توجه در این ماده بوده است و برای تکمیل این ماده بنده هم قبول مأموریت استرآباد را نموده‌ام. حالا که امر سفر می‌فرمایند با کمال تشکر اطاعت دارم. شاید دستگیری و محفوظ بودن زراعت کاری استرآباد خاصه در این فصل رعایا و املاک حضرت اشرف سپهدار اعظم که یک نوع این ملاحظات و حفظ الغیب برای حضرت معظم‌الیه نیکنامی و فواید خواهد بود از جمله مایه روسفیدی دوستان معظم‌الیه است. علت توقف بنده بعد از احظار [احضار] از طهران فقط به ملاحظه عدم قدرت در حرکت بود؛ به این معنی که قریب چهل هزار تومان طلبکار هستم از بابت حقوقی که طلب دارم و این مبلغ را مدیون هستم. سال گذشته نوزده هزار تومان حضرت سپهدار اعظم از مالیات املاک خودشان حواله نمودند که به بنده بدهند. از این نوزده هزار تومان هشت هزار تومان را به اسم اینکه حضرت اقدس والا دریافت فرموده‌اند به بنده نرسیده. در این موقع که باید اطاعت امر کرد [ه] مشغول خدمت باشم اول شرط، استطاعت مالی است مستدعی است که آن هشت هزار تومان سه ماهه ماضیه را که باید به بنده برسد فوری حواله مرحمت فرمایند تا از مطالبات دیگر بنده هم از هر محلی که مقتضی می‌دانند توجهی بفرمایند که هم طلبکارها را آسوده نمایند و هم با فراغت بتواند از عهده خدمات مرجوعه برآید. منتظر دستخط

فوری که بنده را از این فقرات آسوده نماید هستم. صادق قاجار
اس ش ۴۹۲۰۰-ن تا ۲۰۳

۲۷ ذی حجه تنگوزنیل

خبر واصله از کردستان

کردستان: امروز عصر، دوشنبه، قاصدی متعلق به پستخانه بدون حمل کاغذ و غیره از کرمانشاه وارد و از قرار تحقیقات لازمه که این غلام نمود صبح دیروز یکشنبه از کرمانشاهان حرکت کرده و اظهار می‌دارد سالارالدوله فعلاً سه روز است که [وارد] در کرمانشاهان شده. اعظم‌الدوله در قونسولخانه پناهنده، پسرش مجروح است. اهالی کردستان هم بعضیها به واسطه اضطراب و عدم امکان خارج نمودن خود و کسانشان از کردستان مذاکراتی با شهیندر کرده‌اند که پس از ورود سالارالدوله از آنها حمایت نمایند. سرکرده‌های بعضی ایلات و طوایف در اطراف کردستان منتظر ورود سالارالدوله می‌باشند. مبشر السلطنه
اس ش ۴۶۴۱۸-ن

[۵۶]

نامه قوام السلطنه به انجمن ایالتی خراسان و سیستان درباره شکست اردوی

سالارالدوله در ساوه

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

دارالشورای کبری

انجمن ایالتی خراسان و سیستان

سواد تلگراف وزارت جلیله داخله

برای جلوگیری و قلع و قمع سالارالدوله و اتباع او از دو نقطه استعداد و اردوی کامل اعزام شده: یک اردو به ریاست آقای سردار ظفر و آقای سردار جنگ از راه قم و اردوی دیگر در تحت ریاست آقای سردار محتشم و آقای سردار بهادر و مسیو یفرم‌خان. در روز غره شوال اردوی سردار ظفر و سردار جنگ در ساوه با استعداد سالارالدوله مصادف شده جنگ سختی در گرفته. اردوی سالارالدوله تاب مقاومت نیاورده یک عراده توپ خودشان را تسلیم و ساوه را تخلیه و فرار نموده‌اند. اردوی دولتی با کمال قدرت و شکوه به ساوه ورود کرده؛ و از طرف دیگر، اردوی مسیو یفرم‌خان و آقای سردار بهادر وارد قریه آسیابک شده دو هزار نفر استعداد سالارالدوله که در آنجا بوده‌اند به محض ورود اردوی دولتی مقدار زیادی آذوقه خودشان را که تهیه کرده بودند گذاشته و از آن نقطه

۳۲۱



دارالشوای بکری

انجمن ایالتی خراسان و سیستان
سواد کراک و رشت جلد پنجم
مورخه

برابر علیه که در قطع و جمع سالانه در آستانه ده در نه فقط استعداده و از هر
کامرا اعلام شد یک از هر بیست و دو نفر در قطع و در هر یک از آن
تم و از هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر
خانی در روزی که برای در هر سر در قطع و در هر یک از آن بیست و دو
سالانه در مصروف شد چنانچه در هر یک از آن بیست و دو نفر
نیاید که چون قبیل خونی بودیم و سال نو تکلیف و فرزند
در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر
سینه فریم خانی و در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن
استعداد سالانه که در آنجا بود نه بجز دو نفر از آن بیست و دو نفر
باید که در وقت خونی بود که بیهوده بود که بیهوده و از آن
آنچه فرار کرده اند از هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن
از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن
و غیرت و در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر
و بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر
و قطع و در هر یک از آن بیست و دو نفر در هر یک از آن بیست و دو نفر

فرار کرده‌اند. اردو آذوقه و مهمات آنها را تصرف کرده است. انشاءالله به همین زودی به تاییدات خداوندی و اقبال بی‌زوال اعلیحضرت قوی شوکت اقدس شاهنشاهی سلطان احمدشاه ارواحنا فداء و مجاهدات و فداکاری اردوهای دولتی اشرار به کلی مخدول و منکوب و قلع ماده فساد خواهد شد. ۵ میزان، قوام‌السلطنه

اس ش ۳۰۷۶۰

[۵۷]

راپورت از رودسر درباره شکست اردوی سالارالدوله و تعقیب سالارالدوله

توسط اردوی امیراسعد

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

راپورت رودسر ۱۴

پس از فتح و شکست سالارالدوله، دو ساعت از شب گذشته صد و پنجاه نفر از سوارهای آقای امیراسعد مکمل و مسلح وارد رودسر شدند که خود سالارالدوله را تعاقب نموده و دستگیر نمایند و خود آقای امیر اسعد هم از تعاقب اردوی خودشان در یک فرسخی رودسر هستند. ابراهیم
اس ش ۴۹۱۹۶-ن

[۵۸]

نامه‌ای از ساری اصلاص از کنگاور به طهران درباره حضور اردوی مجاهدین

در کرمانشاهان و پاک کردن آن شهر

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

از کنگاور به طهران / عدد کلمات ۱۲۸ / نمره دولتی ۱۷

به مقام منبع حضرت اشرف آقای رئیس‌الوزراء روحی فداء و هیئت وزراء عظام
ادم‌الله اقبالهم العالی

روز نوزدهم صفر آقای یارمحمدخان سردار با اردوی مجاهدین غیور وارد کرمانشاهان شدند. عمارت حکومتی و محله‌هایی که اشرار سنگر بسته محاصره نمودند. یک شب و یک روز جنگ کرده سالارالدوله و سردار مظفر و سایرین شبانه فرار کردند. حاجی رستم‌خان و صفرخان سلطان زنگنه را دستگیر و تیرباران نمودند. حضرات متحصنین قونسولخانه را با کمال احترام به خانه‌های خود برده، شهر

کرمانشاهان در کمال انتظام است. تلگرافات خودشان خواهد رسید بدین مزده فتح و نصرت که خداوند عالم به اقبال بلند بندگان اعلیحضرت همایونی ارواحنا فداه و ملت محترم ایران نصیب اردوی مجاهدین غیور آن ذات مقدس شاد مسرور می‌دارد. چاکر، ساری اصلان.

به تاریخ ۲۳ شهر دلو، ساعت ۶ تنگوزنیل، سنه ۱۳۳۰ اس ش ۵۲۹۵۴-ن

[۱۵۹]

گزارش بارفروش ورشت درباره درگیری قشون سالارالدوله در صفحات شمالی کشور

تاج - شیر ایستاده - شمیر

اداره تلگرافی دولت علیه ایران

راپورت بارفروش ۲۹

سوارهایی که همراه سالارالدوله به نور رفته بودند دیروز قریب هفتاد نفر به دهات مشهدسر آمده می‌گویند سالارالدوله با سی چهل نفر [از] امرا فوراً از صلاح‌دین کلا رفته طرف رشت. ما هم از خشکی طرف تنکابن می‌خواستیم برویم از طرف امیراسعد جلوگیری کردند. قریب هفتاد نفر از ما را کشته و از آنها هم که خیلی کشته شده‌اند. این سوارها هم عجالتاً در مشهدسر و اطراف بارفروش هستند؛ از آگنظ مشهدسر امنیت خواسته‌اند. دیشب در بارفروش اجزای داروغه دو ساعت قبل از صبح گردش می‌کردند؛ در تکیه اوجاین شش نفر به آنها برخورد کرده یک مرتبه شلیک کردند. پنج نفر از اجزای داروغه را تیر گرفته؛ یکی روی نافش تیر گرفته، مشکل جان در برد. باقی دیگر به دست و پایشان و هنوز معلوم نشده کی بودند. چاکر، بحرالعلی.

راپورت رشت ۱۵

مفتح‌الملک کارگذار [کارگزار] دیشب از شهیندری خارج شده مشغول ترتیب کارهای راجع به کارگذاری شده است. هنوز به دربخانه نیامده‌اند شهر امن است؛ مردم از اضطراب افتاده‌اند. آدمهای سالارالدوله در کوچه و بازار دیده می‌شوند. صدیق‌الممالک با یمین‌الممالک امروز ظهر، مشهور است، به طهران خواهد آمد. جلیل عرض می‌شود: صدیق‌الممالک نوکر سالارالدوله از طرف او وارد شده بود، دیشب پس از فرار سالارالدوله. می‌گویند در خانه شریعتمدار پنهان است ولی هنوز صحت و سقمش معلوم نیست؛ پس از تحقیق باز عرض می‌شود. این صدیق‌الممالک چنان‌که گفت و گوی حکومت سالارالدوله به رشت بود باز در رشت بوده. در باغ حاجی شیخ

علی داماد شریعت‌مدار منزل داشت. عجلتاً این است اطلاعات بنده؛ باز هر چه معلوم شد به عرض می‌رساند. محسن
[س ش ۱۹۳ و ۴۹۱۹۴-ن]

[۶۰]

گزارش واصله از رشت درباره سواران سالارالدوله در صومعه‌سرا

تاج - شیر ایستاده - شمشیر
اداره تلگرافی دولت علیه ایران

رپورت رشت شب ۱۵

از قرار تقریر عابری که از طرف کما و صومعه‌سرا می‌آمدند، سواران سالارالدوله را در قرب صومعه‌سرا دیده‌اند؛ گویا به طرف شاندرمن و خلخال می‌روند. جمعیتشان قریب پنجاه نفر بوده‌اند که اغلب سوار مالهای بارکشی رعیتی بوده‌اند. صدیق‌الممالک تا ظهری در شهر بودند. ظهر [او را] سوار درشکه در سبزه میدان دیده‌اند. جلیل
[س ش ۴۹۱۹۸-ن]

[۶۱]

نامه نجفقلی خان صمصام‌السلطنه^{۴۱} به ریاست وزراء درباره شکست اردوی سالارالدوله در ساوه و پیروزی اردوی مجاهدین

تاج - شیر ایستاده - شمشیر
ریاست وزراء

ظهر دوشنبه

جناب سردار اسعد اردوی سسردار ظفر و سردار جنگ در ساوه اردوی سالارالدوله را شکست داد به قم فراری؛ اردوی سردار محتشم، سردار بهادر، مسیو یفرم در زرنند. بعون‌الله متمردين عنقریب مقهور و معدوم می‌شود. ورود پاریس را اطلاع دهید. نجفقلی
حاشیه: امیرمفخم با سوار خواجه‌ها و موگونی و اردوی زیاد عنقریب به آن دو اردو ملحق
[س ش ۴۷۳۱۳-ن]

۴۱. نجفقلی خان بختیاری ملقب به صمصام‌السلطنه متولد ۱۲۶۷ق فرزند حسینقلی خان ایلخانی و برادر بزرگ سردار اسعد مدنی رئیس ایل بختیاری و حاکم اصفهان بود چندین بار عهده‌دار پست ریاست وزراء و وزارت را داشته است. صمصام‌السلطنه در سال ۱۳۴۹ در تهران درگذشت.



وزارت امور خارجه

اداره ...
سواد ...

مورخه ...

شماره ...

شرایط خارج شدن سالارالدوله از ایران

در کسب آزادیات که در این خصوص بجناب ...

رکوعی در روز ...

سالارالدوله ...

۱۱) ...

۱۲) ...

کسر آنچه ...

مقرر ...

۱۳) ...

۱۴) ...

۱۵) ...

۱۶) ...

۱۷) ...

۱۸) ...

۱۹) ...

۲۰) ...

۲۱) ...

دروس ...
تاریخ ...
مقرر ...

[۶۲]

نامه نجفقلی به ریاست وزراء درباره چگونگی قرار گرفتن سران قوای دولتی
در مناطق مختلف و جنگ با سالارالدوله

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ریاست وزراء

سواد تلگراف لوزان / مورخه شب ۲۵ رمضان

توسط اعلام الدوله ژنرال قونسول ایران لوزان - جناب سردار اسعد چند روز است
تلگرافی از جناب عالی نرسیده سلامتی به غایت سردار جنگ سه شنبه چاباری به قم
می روند. ضیاء السلطان و شهاب السلطنه و سواران هم به قم آمده متفقاً برای جلوگیری
سالارالدوله حرکت می کنند. سالارالدوله از طریق لوزان عازم. سردار محتشم،
سردار بهادر، مسیو یفرم خان با استعداد کامل دو روز دیگر برای قلع و قمع سالارالدوله
حرکت، فارس با رکن الدوله، نظام السلطنه یاغی قشقاییها را فرستاده تا نایب الایاله را
دستگیر و خارج نموده با اهالی مشغول جنگ. صمدخان به آذربایجان حمله برده جنگ
سخت شده ولی (ناخوانا) نبرده. شب سه شنبه - نجفقلی

[س ش ۴۸۸۲۷-ن]

[۶۳]

شرایط دولت روسیه برای خروج سالارالدوله از ایران

تاج - شیر نشسته - خورشید

وزارت امور خارجه

سواد: شرایط خروج سالارالدوله از ایران

در تکمیل مذاکرات شفاهی خاطر محترم آن جناب دوستان استظهاری را قرین
استحضار می دارد که دولت متبوعه دوستان مواد ذیل را در مورد شاهزاده سالارالدوله
که فعلاً در پناه قونسولگری دولت بهیه روس در کرمانشاه می باشد تصویب می نماید:
(۱) سالارالدوله فوراً بدون اینکه به طهران بیاید از ایران تحت الحفظ خارج خواهد
شد و در سوئیس منحصراً اقامت خواهد کرد.

(۲) دولت علیه ایران متعهد می شود که سالی هشت هزار تومان مستمری برای
سالارالدوله برقرار نماید و به بانک استقراضی ایران حواله داده می شود که مبلغ مزبور را
در هر ماه به سفارت روس مقیم برن برساند که به توسط سفارت معزیه الیهها شاهزاده

سالارالدوله بپردازند.

(۳) دولت علیه ملک مردآباد را که سابقاً متعلق به سالارالدوله بود به ایشان اعاده می‌دهند مشروط بر اینکه شاهزاده نیز حساب خود را با بانک که در موقع رؤیت حساب ارباب جمشید معلوم گردید تسویه نمایند. توضیح آنکه شاهزاده حق فروش یا اجاره ملک مزبور را به احدی نخواهند داشت.

(۴) دولت علیه مبلغ ۳ هزار تومان نقداً تحت خرج مسافرت سوئیس و تهیه اثاثیه به سالارالدوله خواهد پرداخت.

(۵) دولت بیهه روس به سالارالدوله اخطار خواهند کرد که هرگاه بدون اجازه دولت علیه ایران مجدداً به ایران مراجعت نماید از کلیه حقوق و امتیازاتی که به موجب این قرارداد به ایشان عطا شود مسلوب و بی‌بهره خواهند شد و هیچ قسم مساعدت از طرف دولت روس یا نمایندگان آن دولت بیهه در ایران نسبت به شاهزاده نخواهد شد.

(حاشیه): در جلسه روز سه‌شنبه هفتم شهر شوال ۱۳۳۱ تصویب شد که موافق تصویب فوق وزارت امور جلیله خارجه به سفارت روس نوشته عمل سالارالدوله را از قرار مزبور فوق ختم نمایند.

[محل امضاء]

محمدعلی اسماعیل احمد مستشارالدوله^{۴۲}

[س ش ۳۸۴۱۹-ن]

[۶۴]

نامه‌ای از ریاست وزراء به وزارت مالیه دربارهٔ پرداخت وجه تعیین شده برای قزاقها

تاج - شیر ایستاده - شمشیر

ریاست وزراء

نمره کتاب ثبت ۵۸۸ وزارت جلیله مالیه
از مفاد راپورت اداره کل گمرکات در باب بندر جز که در تلو نامه مشروحه نمره ۲۸۳۳ ارسال فرموده بودند استحضار حاصل گردید. البته آن وزارت جلیله مسبوق هستید که ورود نظامیان انگلیس به بندر جز به جهت جلوگیری سالارالدوله موقتی بوده است و اخیراً که راپورتهایی دایر به اوضاع بندر جز رسید به اداره قزاقخانه حکم شد عده قزاق برای محافظت گمرک و بندر جز مأمور نماید و حالیه که برحسب امر فرمانده

۴۲. میرزا محمدعلی خان علاءالسلطنه رئیس‌الوزراء، میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله وزیر عدلیه، میرزا احمدخان قوام‌السلطنه وزیر مالیه، میرزا صادق خان مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف.

کل اردوی رشت قزاقهای آنجا مأمور مازندران شده‌اند حکومت استرآباد پیشنهاد نموده که به جای آنها از سوارهای حکومتی و محلی عده‌ای در بندر جز و سایر راهها مأمور و پست برای استقرار انتظام برقرار نماید بر طبق پیشنهاد حکومت تصویبنامه صادر و به وزارت جلیله مالیه ارسال گردیده و به طوری که در ذیل نمره ۵۸۷ اشعار شده است لازم است قدغن فرمایید و جهی که تصویب گردیده به فوریت به اختیار حکومت استرآباد بگذارند تا برای حفاظت بندر جز و سایر نقاط تدابیر لازمه اتخاذ نموده رفع نگرانی اداره گمرک هم بشود تا قزاقها مأموریت خود را انجام و به بندر جز معاودت نمایند.
 [س ش ۵۰۱-۱۴/۲۴۱]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی